

هند به افغانستان کمک نظامی می‌کند



مقامات هندی اعلام کردند که دولت افغانستان از هند خواسته که پس از خروج نظامیان خارجی از افغانستان، به این کشور کمک نظامی کند.

گفته می‌شود که افغانستان لیستی از نیازهای نظامی خود را به مقامات هندی ارائه کرده است.

دولت افغانستان از هند خواسته که پس از سال ۲۰۱۴، تجهیزات نظامی ذیل را در اختیار کابل قرار دهد: ۱۵۰ دستگاه تانک، ۱۲۰ دستگاه توپ، تعداد زیادی توپ‌های ۸۲ میلی متری، یک فروند هواپیمای ترابری نوع سی ۳۲ و ۲ فروند بالگرد... ادامه صفحه ۶

رایس کرزی را متقاعد خواهد ساخت؟



توماس روتینگ مدیر شبکه تحلیگران افغانستان به برخی رسانه‌ها گفته که کرزی در تلاش به دست آوردن بعضی امتیازات قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری است.

کرزی نگران است که امریکا در این انتخابات مخالف منافع وی عمل کند.

وی تاحدی حق هم دارد. امریکایی‌ها در گذشته در انتخابات دخالت نموده، به نفع کرزی عمل کردند.

صفحه ۶

تحلیلگران:

کرزی در تلاش استفاده از آخرین فرصت‌هاست



اگر انتخابات شفاف برگزار شود، اگر امنیت سراسری تأمین شود و اگر مصالحه ملی به ثمر برسد، دیگر چه نیازی به همکاری‌های امنیتی با امریکا و حضور نیروهای خارجی در افغانستان است؟

در برگ‌ها



لویه جرگه به بازی گرفته شد



آناشیسیم و سیاست بنیادستیز



قیام «ناپوشیده گي» های هستی زن - انسان در سنگباران



یک دختر و پسر به دستور شورای قبیله‌یی بغلان اعدام شدند

جان کری:

توافقنامه امنیتی هر چه سریع امضا شود



وزیر خارجه ایالات متحده امریکا از تأیید توافقنامه دوجانبه امنیتی توسط لویه جرگه مشورتی افغانستان ستایش کرد. این در حالی است که کرزی از امضای بیدرنگ این توافقنامه امتناع می‌ورزد.

علیرغم این که اعضای لویه جرگه مشورتی «توافقنامه دو جانبه امنیتی» با ایالات متحده امریکا را تأیید کردند، حامد کرزی رئیس‌جمهور افغانستان از امضای بیدرنگ آن امتناع می‌کند. کرزی به طور مبهم... ادامه صفحه ۶

کمیسیون حقوق بشر:

خشونت علیه زنان افزایش یافته است

را نشان نمی‌دهد، اما به گفته این کمیسیون انواع خشونت بر قربانیان افزایش یافته است.

سیما سمر، رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان روز دوشنبه (۴ قوس / ۲۵ نوامبر) در یک کنفرانس خبری در کابل گفت: «انواع خشونت بسیار بیشتر از افرادی است که به کمیسیون مراجعه کرده اند. به عنوان مثال یک کسی مراجعه کرده که هم لت خورده، هم نفقه برایش داده نشده و هم از تعلیم و کار منع شده و نگذاشته اند که خانه والدین خود برود. بنا براین انواع خشونت نسبت به تعداد مراجعه کنندگان در دفتر کمیسیون زیادتر است.»

آمار واقعی؟

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گوید آماري که از سوی این کمیسیون ارائه شده تنها خشونت‌هایی را نشان می‌دهد که رسماً در دفاتر کابل و ولایات این کمیسیون ثبت شده است؛ در حالی که مقام‌های این کمیسیون می‌گویند آمار واقعی... ادامه صفحه ۶

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با نشر گزارش شش ماه اول سال ۱۳۹۲ اعلام کرد که خشونت علیه زنان در این مدت ۲۵ درصد افزایش یافته است. در



شش ماه اول سال روان ۱۳۹۲ نوع خشونت ثبت شده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گوید که حدود ۱۱۷۹ زن در شش ماه اول سال ۱۳۹۲ شکایت کردند. اگرچه این شمار در مقایسه با شمار مراجعه کننده‌گان سال گذشته، (۱۱۰۸ مورد)، چندان افزایش

احمد عمران

لویه جرگه به بازی گرفته شد



را امضا می‌کند که امریکایی‌ها از فردا تلاش و بازرسی خانه‌های افغان‌ها و عملیات‌های شبانه را متوقف کنند. او هم چنین با تأکید فراوان گفت که زمانی این سند را امضا خواهد کرد که صلح سراسری در افغانستان حاکم شده باشد. او به شکل طعنه‌آمیز امریکا را مسبب جنگ‌ها و ناامنی‌های موجود در کشور دانست و اظهار داشت که اگر این کشور بخواند، در افغانستان صلح تأمین می‌شود.

این سخنان اگر از روی آگاهی و صحت مزاج گفته شده باشند، سخنان سخت‌وتندی می‌تواند به شمار روند. زیرا آقای کرزی در پایان مأموریت خود به چیزی که یقین یافته به گفته خودش یک چیز هست و آن این‌که امریکایی‌ها در جنگ و صلح افغانستان نقش کلیدی دارند. اما آقای کرزی هرگز روشن نساخت که امریکایی‌ها چه‌گونه می‌توانند در اسرع وقت صلح را در افغانستان تأمین کنند. از سوی دیگر، اگر این همه حرف و حدیث صحت دارند، پس چرا آقای کرزی ظرف دوازده سال گذشته خاموش بوده و این راز بزرگ را در سینه پنهان نگه داشته است؟ آیا می‌توان باور کرد که با کشوری که می‌تواند دشمن باشد، سند امنیتی باید امضا کرد؟ این چه نوع منطق سیاسی است که آقای کرزی و اطرافیان او دارند؟

بدون شک نشست پایانی لویه جرگه، نقطه اوج و افشاح عالم‌گیر این نشست را به تصویر کشید. کاش آقای کرزی این قدر دوراندیشی می‌داشت که نمی‌گذاشت این‌سوی در محضر عام به نمایش گذاشته شود. البته دلیل سروصداها و جنگ‌های زرگری آقای کرزی، کاملاً مشخص و واضح است. وقتی جناب کرزی می‌گوید که سند امنیتی را پس از برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه امضا می‌کند، معنای این واژه‌ها در

نمی‌بیند و به همین دلیل هم چنان سند امنیتی را به عنوان اهرم فشار در اختیار خود نگه داشته است.

آقای کرزی اگر به تصمیم لویه جرگه اعتنا ندارد، پس باید موضع خود را در برابر قربانیانی که به دلیل برگزاری این لویه جرگه در اثر بمب‌گذاری انتحاری جان‌های خود را از دست دادند، مشخص کند. آیا خون سیزده انسان بی‌گناه در نزدیکی خیمه لویه جرگه به این دلیل ریخته شد که آقای کرزی به تصمیم‌های جرگه مشورتی نه بگوید؟ اگر چنین نیست و آقای کرزی بازی دیگری را آغاز کرده، باید نسبت به وضعیت نگران بود و به این اندیشید که گام بعدی رییس‌جمهوری چه خواهد بود. زیرا تمام قراین و شواهد حاکی از آن‌اند که آقای کرزی با لویه جرگه فرمایشی خود، بازی کرده و در اصل نمایشی را به صحنه آورده که زهر چشم از متحدان بین‌المللی افغانستان بگیرد و یا هم کاملاً عکس این قضیه می‌تواند درست باشد که همه چیز از آغاز تا فرجام، بازی بی‌بود که آقای کرزی در همکاری با امریکایی‌ها به‌راه انداخته بود.

امریکا مجبور است نسبت به وضعیت موجود از خود واکنش نشان دهد و اگر هم کاسه آقای کرزی در بازی‌های سیاسی نیست، باید رُک و راست در این خصوص صحبت کند. از جانب دیگر، وقتی آقای کرزی امضای سند امنیتی با امریکا را به بعد از انتخابات موکول می‌کند، حدس و گمان‌های مختلفی را به وجود می‌آورد. زیرا انتخابات آینده که انتخاباتی سرنوشت‌ساز برای افغانستان است، عملاً برای نخستین بار در دوازده سال گذشته با مدیریت افغان‌ها برگزار می‌شود. افرادی را هم که در رأس کمیسیون‌های انتخاباتی قرار دارند، شخص رییس‌جمهوری

لویه جرگه فرمایشی آقای کرزی، پایان خوشی برای خودش و اکثریت شرکت‌کنندگان آن نداشت. این جرگه که پس از ماه‌ها تلاش و تأکید آقای کرزی به هدف بررسی و اعلام موضع در مورد قرارداد امنیتی و دفاعی میان امریکا و افغانستان، برای چهار روز با شرکت نزدیک به سه هزار نفر در کابل برگزار شد در روز پایانی، جو متشنجی را شاهد بود. نمایش آقای کرزی زمانی به نقطه اوج و دراماتیک خود نزدیک شد که اکثریت شرکت‌کنندگان به شمول صبغت‌الله مجددی رییس جرگه، بر امضای سند همکاری‌های امنیتی با امریکا در اواخر ماه روان عیسوی تأکید می‌کردند ولی آقای کرزی هم‌چون بازیگران فلم‌های هالیوودی نماینده‌گان جامعه جهانی و به‌ویژه سفیر امریکا در کابل را که در این نشست حضور داشتند، با تیرهای کلام زهرآگین خود هدف قرار می‌داد و تأکید می‌کرد که سند را پس از برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه در کشور امضا خواهد کرد.

هنوز واکنش سفارت امریکا را در این خصوص نداریم؛ اما به احتمال زیاد سخنان نیش‌دار آقای کرزی نمی‌تواند به مزاج دوستان امریکایی‌اش چندان سازگار باشد. هرچند که دیگر جامعه جهانی نسبت به این‌گونه سخنان واکنش شده و بی‌تفاوتی اختیار می‌کند، زیرا می‌داند که آقای کرزی سیاست‌مداری دم‌دمی‌مزاج است و با توجه به شرایط و اوضاع ذهنی خود، هر لحظه ممکن است تصمیمی تازه بگیرد. اما مسأله جدی این‌جاست که این همه بحث و فحوص در مورد برگزاری لویه جرگه و آن سخنان عجیب‌قلبی آقای کرزی به چه معنا بود؟

آقای کرزی زمانی که واکنش تند برخی جناح‌های سیاسی را نسبت به برگزاری لویه جرگه مشورتی و غیرقانونی بودن آن شنید، به گونه عجیبی از این جرگه حمایت کرد و گفت که شرکت‌کنندگان لویه جرگه نماینده‌گان ملت افغانستان هستند و او جرأت این را ندارد که تصمیم و فیصله آن‌ها را رد کند. اما در نمایش فرجامین لویه جرگه عملاً دیدیم که آقای کرزی تصمیم لویه جرگه را نیز نادیده گرفت و حتا در برابر آن مقاومت از خود نشان داد. آقای کرزی در برابر شیخ ارگ نیز که ریاست جرگه فرمایشی او را به عهده داشت، خاموش نشست و هم‌چنان بر امضای سند امنیتی پس از برگزاری انتخابات تأکید ورزید. حالا معلوم نیست که آقای کرزی چرا جرگه مشورتی را به محل مناقشه‌های انتخاباتی آن‌هم با امریکا تبدیل کرد. آیا واقعاً آقای کرزی نشانه‌هایی را در اختیار دارد که امریکایی‌ها می‌خواهند در این دور انتخابات نیز مداخله کنند؟ زیرا در گذشته مداخله کشورهای خارجی و به‌ویژه غربی‌ها در مسایل انتخابات به نفع آقای کرزی مشهود بوده است و حتا او در نتیجه همین مداخلات به کرسی ریاست‌جمهوری کشور دست یافت؛ موضوعی که حتا شخص رییس‌جمهوری مجروح کشور نیز به آن اعتراف کرده است. اما حالا مثل این‌که بحث‌ها فراتر از این مسایل‌اند و آقای کرزی خود را در جایگاهی مناسب

سخن‌ماندگار

اگر امریکا تسلیم خواسته‌های حامد کرزی شود...

شرط‌های حامد کرزی به ویژه درخواست انتخابات شفاف در افغانستان از امریکا، این نگرانی را بار آورده است که نکند امریکا بر سر امضای پیمان امنیتی، با کرزی معامله کند.

زیرا در آخرین روز برگزاری لویه جرگه، سخنان رییس‌جمهور و سخنان جناب مجددی نتیجه مبهمی را به بار آورد و سوال‌های زیادی را در محافل و مجالس سیاسی ایجاد کرد.

عمده‌ترین نتیجه‌ی که مردم و برخی نهادهای سیاسی از این سخنان گرفته‌اند این است که کرزی با ایجاد تأخیر در امضای سند امنیتی با ایالات متحده امریکا، می‌خواهد واکنش‌گتن در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری از نامزد مورد نظر او حمایت کند؛ زیرا حامد کرزی نگران آینده خودش است و با برخی ضمانت‌های پنهانی می‌خواهد در نظام بعدی نیز سهم لازم را داشته باشد.

این برداشت در سخنان کرزی در نشست پایان جرگه واضح بود. او به رغم تأکید رییس و اعضای جرگه مشورتی مبنی بر امضای پیمان امنیتی با ایالات متحده امریکا پیش از سال ۹۳ و انتخابات آینده، از اعضای جرگه خواست که برای او اجازه «سیاست و چانه‌زنی» بیشتر با ایالات متحده امریکا را بدهند. این سیاست و چانه‌زنی چیزی جز اطمینان‌یابی از این‌که در بدل امضای این سند از نامزد مورد نظر او باید از جانب امریکا حمایت صورت گیرد چیز دیگری نیست. امروز نقل همه مجالس سیاسی و افراد سیاسی این است که حامد کرزی حد اقل این را از امریکا می‌خواهد که در مقابل تخلف و تقلب احتمالی‌بی‌که از طریق کمیسیون‌های مورد نظر حکومت صورت می‌گیرد، چشم‌پوشی و سکوت کند.

هدف حامد کرزی این است که اگر او بر اساس یک انتخابات شفاف یا غیرشفاف کنار رفت، باید تیم مورد حمایت‌اش جاگزین وی شود.

این نگرانی‌ها از این‌جا مطرح می‌شود که حامد کرزی برگزاری انتخابات شفاف و تأمین امنیت را از مسوولیت‌های امریکایی‌ها خوانده، گفته بود که «ما از امریکایی‌ها یک انتخابات شفاف می‌خواهیم». در حالی که مردم افغانستان امنیت انتخابات و شفافیت انتخابات را از آقای کرزی و حکومت افغانستان و کمیسیون مستقل انتخابات انتظار دارند. سخنان آقای کرزی در این صورت فقط این‌گونه معنا پیدا می‌کند که آقای کرزی در تلاش گرفتن یک ضمانت برای حمایت امریکا از نامزد مورد نظرش در بدل امضای سند امنیتی با آن کشور باشد.

درحالی که اظهارات او با آن همه نیش نشان دادن‌ها فقط به هدف ظاهرسازی و ملی‌گرایی خودش و این‌که اذهان عامه را به نحوی فریب بدهد، سامان یافته بود.

اما انتظار مردم افغانستان از بارک اوباما رییس‌جمهور امریکا این است که نباید در بدل امضای سند امنیتی به سرنوشت سیاسی مردم افغانستان با آقای حامد کرزی معامله کند و یک کسی را خلاف رأی مردم بگمارد. زیرا تجربه‌ی او را که مردم افغانستان از تعامل آقای اوباما با حامد کرزی دارند، تلخ است؛ اما این انتظار را دارند که این بار نباید امریکا طی یک معامله بده و بستان کس دیگری را مثل دور پیش بر مردم افغانستان در نتیجه یک انتخابات نادرست تحمیل کند.

سیاست‌مداران امریکایی باید بدانند که اگر امریکا تسلیم خواسته‌های حامد کرزی شود و در بدل امضای سند امنیتی قدرت سیاسی او را در گرو نامزد مورد حمایتش تضمین کند، به این معناست که فصل استبداد بار دیگر در تاریخ سیاسی افغانستان باز می‌شود و میخ محکمی بر تابوت دموکراسی در افغانستان کوبیده خواهد شد و این سبب بدبختی‌های دیگری خواهد بود که بیشترین زیان آن را امریکا خواهد دید و بعد مردم افغانستان! از این‌رو مردم افغانستان این انتظار را دارند که امریکا در انتخابات فقط به نفع ثبات سیاسی در افغانستان عمل کند و از هیچ نامزدی حمایت نکند.

وقتی جناب کرزی می‌گوید که سند امنیتی را پس از برگزاری انتخابات شفاف

و عادلانه امضا می‌کند، معنای این واژه‌ها در قاموس ریاست‌جمهوری ایشان

معنایی غیر از آن چیزی دارند که در دانش‌نامه‌های سیاسی از آن‌ها اراده شده

است. برای آقای کرزی انتخابات شفاف، عادلانه و به دور از مداخلات خارجی‌ها،

انتخاباتی است که در نتیجه آن، نامزد مورد حمایت او به کرسی ریاست‌جمهوری

تکیه بزند. کل نمایش نامه لویه جرگه مشورتی در همین بند خلاصه می‌شود، و

چیزهای دیگری را که تا به حال شاهد بوده‌ایم، فقط میتوان به پای بازی سیاسی

آقای کرزی برای وصول به این هدف نوشت

قاموس ریاست‌جمهوری ایشان معنایی غیر از آن چیزی دارند که در دانش‌نامه‌های سیاسی از آن‌ها اراده شده است. برای آقای کرزی انتخابات شفاف، عادلانه و به دور از مداخلات خارجی‌ها، انتخاباتی است که در نتیجه آن، نامزد مورد حمایت او به کرسی ریاست‌جمهوری تکیه بزند. کل نمایش‌نامه لویه جرگه مشورتی در همین بند خلاصه می‌شود، و چیزهای دیگری را که تا به حال شاهد بوده‌ایم، فقط میتوان به پای بازی سیاسی آقای کرزی برای وصول به این هدف نوشت.

گزینش و انتخاب کرده است. پس این همه نگرانی نسبت به وضعیت از کجا به‌وجود آمده است؟ آقای کرزی در لفافه چه مسایلی را می‌داند که از به زبان آوردن آن‌ها این همه هراس دارد؟ چون حضور او در روز پایانی لویه جرگه، حضوری آشفته و توأم با عصبانیت بود. مثل این بود که او چیزهای دیگری را انتظار داشت که از لویه جرگه بشنود ولی خلاف آن‌ها را شنیده است. آقای کرزی در پاسخ به این همه پرسش‌ها در لویه جرگه فرمایشی گفت که وقتی قرارداد امنیتی

اعتراض به قانون جدید تظاهرات در مصر



گروه های حقوق بشری در مصر فرمان جدیدی را که دولت برای مقابله با تظاهرات صادر کرده را محکوم کرده اند. قانون جدید را عدلی منصور رییس جمهوری انتقالی مصر امضا کرده است. بنا به این قانون جدید، بدون اینکه به پولیس اطلاع داده شده باشد، نمی توان تظاهراتی را ترتیب داد. بسیاری معتقدند که این قانون را دولت برای جلوگیری از تظاهرات طرفداران اخوان المسلمین و رییس جمهوری برکنار شده، محمد مرسى، وضع کرده است. در سه سال گذشته در مصر دو رییس جمهوری با تظاهرات گسترده از کار برکنار شدند. این قانون در روز یکشنبه به دنبال آن امضا شد که تظاهرات گسترده یی در شهرهای مختلف مصر به وقوع پیوست. در قاهره و شهرهای دیگر مصر، هزاران نفر از مردم مصر در حمایت از محمد مرسى به خیابان ها آمدند. آنها برای صدمین روز برکناری آقای مرسى به خیابان ها آمده بودند. در روز جمعه تظاهرات مشابهی در قاهره روی داد که با مقابله مخالفان محمد مرسى روبه رو شد. آقای مرسى این روزها منتظر برگزاری دادگاهش است. او از جمله متهم است که فرمان کشتن تظاهر کنندگانی را داده که در سال ۲۰۱۲ ضد او تظاهرات می کردند.

سازمان های حقوق بشری، پیش از آنکه این قانون جدید به امضای رییس جمهوری موقت مصر برسد هم با آن مخالفت کرده بودند. در بیانیه یی که به امضای ۱۹ سازمان حقوق بشری مصر رسیده، آمده است که این قانون جدید هر گونه تجمع مسالمت آمیز را ناممکن می کند. آنها همچنین هشدار داده اند که بنا به قانون جدید، دولت می تواند با زور با «تظاهرات مسالمت آمیز معترضان» مقابله کند. اما نخست وزیر مصر در گفتگویی با خبرگزاری فرانسه می گوید که بنا به این قانون تنها لازم است که به پولیس اطلاع داده شود و نه اینکه «کسب اجازه» شود. او گفت که این قانون برای حمایت از تظاهر کنندگان است. منابع دولتی می گویند بنا به این قانون، سه روز پیش از شروع تظاهرات باید به پولیس اطلاع داد. انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری مصر به زودی برگزار می شود و گروه های حقوق بشری دولت مورد حمایت نظامیان را به کارهای غیر دموکراتیک متهم می کنند. هزاران نفر از هواداران اخوان المسلمین در این روزها به زندان افتاده اند. دولتی ها اما می گویند که این برنامه ای برای مقابله با «تروریست» هاست.

امپراتور جاپان به هند سفر می کند



۵۳ سال پس از اولین سفر به دهلی نو، امپراتور جاپان و همسرش قرار است ظرف چند روز آینده سفری به هند داشته باشند. آکیهیتو امپراتور جاپان و میچیکو، همسرش قرار است به دعوت رییس جمهوری هند به این کشور سفر کنند. این دو به عنوان پرنسسن و شاهزاده جاپان برای آخرین بار در سال ۱۹۶۰ میلادی به دهلی نورفته بودند. کاخ سلطنتی جاپان در بیانیه یی اعلام کرد که این سفر ۳۰ نوامبر سال جاری میلادی انجام می شود و علت اصلی این سفر تقویت روابط دو جانبه است. وزارت امور خارجه هند نیز اعلام کرد که این کشور جنوب آسیا آماده استقبال از امپراتور جاپان و همسرش و در ادامه گفت: این سفر به صورت قابل ملاحظه ای باعث بسط و تقویت روابط و همکاری استراتژیک و جهانی دو کشور می شود. امپراتور جاپان قرار است در این سفر با مانموهان سینگ، نخست وزیر هند و رییس جمهوری این کشور دیدار و گفت و گو کند. تمرکز این نشست بر مسائل منطقه ای، جهانی و دوجانبه است. سفر امپراتور جاپان پیش از سفر شینزو آبه، نخست وزیر جاپان به هند صورت می گیرد. آبه قرار است یکی از مهمانان اصلی برای مراسم بزرگداشت روز جمهوری هند در ۲۶ ژانویه ۲۰۱۴ میلادی باشد.

وزیر خارجه لیبیا: آنچه در مصر اتفاق افتاد، «انقلابی» مردمی علیه اخوان المسلمین بود



وزیر خارجه لیبیا با بیان اینکه مشروعیت تنها منحصر به صندوق های رای گیری نیست، تاکید کرد: آنچه در مصر اتفاق افتاد، «کودتا» نیست بلکه «انقلابی» مردمی علیه اخوان المسلمین بود. محمد عبدالعزیز، وزیر خارجه لیبیا، در مصاحبه یی مطبوعاتی تصریح کرد: آنچه در مصر اتفاق افتاده است به هیچ وجه «کودتا» نیست بلکه تنها «انقلابی» مردمی علیه رهبران اخوان المسلمین به خاطر عدم تعهد به وعده هایشان به مردم مصر و عدم تحقق خواسته های مصری ها است. وی عنوان داشت: مردم مصر انقلاب کردند و میلیون ها تن از آنها به خیابان ها آمدند. مشروعیت تنها منحصر به صندوق انتخابات نیست بلکه مشروعیت در جرای خواسته های مردم خلاصه می شود. عبدالعزیز نقش ارتش مصر را در حمایت از انقلاب ۲۵ ژانویه ستوده و گفت: ما با محمد مرسى، رئیس جمهوری سابق مصر تماس هایی داشتیم و در آخرین سفرمان به مصر حدود دو میلیارد دلار از این کشور حمایت مالی کردیم. عبدالعزیز افزود: ما در لیبیا به اخوان المسلمین و تمامی گروه های سیاسی می گوئیم که امکان ندارد در زمان کنونی و در مرحله انتقالی پرچم حزب خاصی را بالا ببریم، چرا که تمامی افراد باید به خاطر وطن به کشور خود با هم همکاری و همبستگی داشته باشند. وی در خصوص به حالت تعلیق درآمدن فعالیت های مصر در اتحادیه آفریقا نیز گفت: در این رابطه تماس هایی میان اتحادیه آفریقا و مصر در جریان است و امکان ندارد اتحادیه آفریقا مصر را کنار بگذارد و ما با هرگونه اتخاذ تصمیمی از سوی اتحادیه آفریقا علیه مصر مخالفیم. عبدالعزیز تاکید کرد: ما با اتحادیه آفریقا به طور رسمی همکاری خواهیم کرد و پرچم مصر را بالا خواهیم برد به گونه ای که مصر بخش جدایی ناپذیر و کارآمدی در ایجاد سیاست های اتحادیه آفریقا باشد.

پکن از واشنگتن خواست فوراً اشتباهاتش را تصحیح کند



دولت جاپان با فراخواندن سفیر چین در توکیو از وی خواست درباره اقدامات کشورش برای ایجاد منطقه حریم دفاع هوایی بر فراز دریای چین شرقی توضیح دهد. در همین راستا و به دنبال انتقاد شدید آمریکا از تعیین حریم دفاعی جدید توسط چین، پکن نیز از سفیر آمریکا خواست از کشور متبوعش بخواد فوراً اشتباه خود را تصحیح کند. به گزارش شبکه خبری سی.ان.ان، یانگ یوجونگ، سخنگوی وزارت دفاع چین در واکنش به انتقاد آمریکا عنوان کرد: این اقدام کاملاً غیرمنطقی است. وی گفت: آمریکا نباید در این خصوص جهت گیری کرده و اظهارات نادرستی مطرح کند. اظهارات تحریک آمیز آمریکا موجب می شود تا جاپان اقدام خطرناکی اتخاذ کند. یوجونگ ادامه داد: پکن از آمریکا می خواهد تا به امنیت ملی این کشور احترام گذاشته، از بیان نظرات غیرمسئولانه خودداری کرده و برای ایجاد ثبات و صلح در منطقه آسیا - اقیانوسیه تلاش کند. وزارت دفاع چین هشدار داد که نیروهایش اقدامات ضروری لازم برای برخورد با هر هواپیمایی که حریم هوایی جدید را رعایت نکنند، اتخاذ خواهد کرد. طبق گزارش خبرگزاری یونهایپ، کره جنوبی نیز از این اقدام چین اظهار نارضایتی کرده و اعلام کرده است که حریم هوایی جدید پکن، کمی از خاک این کشور را نیز در برمی گیرد.

سیاست خارجه ترکیه در افول



حمایت ترکیه از محمد مرسى، رییس جمهور مخلوع مصر موجب شد که روز شنبه مقامات جدید مصر اعلام کنند که سفیر ترکیه را از مصر اخراج می کنند. در مقابل رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه عقب نشینی از خود نشان نداد و گفت: همان اظهار نظرهایی که در ابتدا باعث نارضایتی مقامات مصر شد، مجدداً تکرار می کنم!

علاوه بر آن وی نشان متحصنین میدان رابعه العدویه را با بالا نگه داشتن چهار انگشت نشان داد که این نشان دهنده حمایت از معترضان به کودتا در مصر بود. اردوغان خاطر نشان ساخت: موضع من کاملاً شناخته شده است و آنها (مصری ها) این موضع را دلیل اقدامات خود اعلام کرده اند. این چیزی است که من همواره می گویم و در سابقه ام وجود دارد. من از اکنون به بعد نیز این موضع را خواهم گفت و هرگز به کسانی که از طریق کودتای نظامی به قدرت می رسند احترام نخواهم گذاشت.

ترکیه در ابتدا گمان می کرد می تواند از قیام هایی که در سراسر جهان عرب بروز پیدا کردند و منجر به قدرت یافتن اسلام گرایان شده اند بهره برداری کند اما کودتای نظامی مصر که موجب برکنار شدن محمد مرسى، رییس جمهور وابسته به اخوان المسلمین شد و بار دیگر یک دولت به رهبری نظامیان را روی کار آورد نشان دهنده واکنش شدید به بهار عربی در منطقه بود. ترکیه با مشاهده از دست رفتن دستاوردهای هم پیمانان اسلام گرای خود در منطقه، نظاره گر از بین رفتن خوش بینی اولیه خود است. کشورهای حوزه خلیج فارس به استثنای قطر که حامی اخوان المسلمین است و همچنین اردن و حتی سوریه از کودتا در مصر خرسند شدند و در نتیجه آن احساس آرامش بیشتری داشتند چرا که گروه های اسلامگرا تا حد زیادی تضعیف شدند. عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس برای کمک به ثبات در دولت جدید مصر مبالغ پول زیادی را پیشنهاد دادند.

روابط اردن با دولت وابسته به نظامیان در مصر قدرتمند است و سوریه نیز از سرنگونی مرسى راضی است چرا که وی حامی مخالفان بشار اسد بود. دولت جدید مصر موضع مبهمی را در قبال جنگ سوریه داشته و حتی به نظر می رسد حامی روی کار ماندن بشار اسد در قدرت است چرا که از ایده

حمله آمریکا به سوریه که موجب کمک به مخالفان حکومت سوریه می شد حمایت نکرد. مصر به عنوان کشوری که خود در حال جنگیدن با افراطگران در خاک خود است، خواهان کمک به دیگر کشورهای منطقه نیست.

به عبارت دیگر دولت سوریه نیز اخیراً در این کشور دست بالا را پیدا کرده و ضربه سختی را به حمایت ترکیه از مخالفان به این کشور وارد کرده است. احمد داووداوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه که در سال ۲۰۰۹ روی کارآمد به اعتقاد برخی رهبری یک سیاست خارجه موسوم به نئوعثمانی را در دست داشته و به دنبال به دست آوردن نفوذ در سراسر منطقه است.

داووداوغلو در سال ۲۰۱۰ در مجله فارن پالسی مقاله یی را با این عنوان نوشت: سیاست خارجه مبتنی بر مشکلات صفر ترکیه. در این مقاله وی برخی اهداف این سیاست خارجی را اعلام کرد که اغلب آنها تحقق نیافته اند.

داووداوغلو اظهار داشت که ترکیه هدفش پیوستن به اتحادیه اروپا است اما اکنون به نسبت سال ۲۰۱۰ دورنمای این مساله حتی بعیدتر به نظر می رسد. وی تاکید کرد: ترکیه به دنبال همگرایی منطقه ای و ایفای نقش با نفوذ در حل و فصل درگیری ها در خاورمیانه است.

اکنون روابط ترکیه با سوریه، مصر و اسرائیل شدیداً

آسیب دیده و اخیراً تلاش می کند تا روابط سرد خود با عراق را ارتقا دهد.

وزیر امور خارجه ترکیه اوایل ماه جاری میلادی به بغداد سفر کرد.

روز پنجشنبه روزنامه نیویورک تایمز آمریکا در مقاله یی استدلال کرد که ترکیه در حال بازبینی تلاش هایش به منظور شکل دهی به منطقه بوده و به جای آن به سراغ دو قدرت شیعه خاورمیانه یعنی عراق و ایران رفته است.

با این وجود از آنجا که مقامات ترکیه حامی طرف های مخالف در سوریه شده اند به سختی خواهند توانست روابط خود با آنها را گرم کنند.

قطر که همچون ترکیه حامی اسلامگرایان به طور بین المللی است تنها کشوری در منطقه است که اختلافات زیادی با ترکیه ندارد.

مابقی کشورهای حوزه خلیج فارس از بابت حمایت از اسلامگرایان بیم دارند چرا که نگران تهدیدات داخلی علیه ثبات خود هستند. اردن نیز در زمره همین کشورها است.

با این وجود از آنجا که ایدئولوژی اسلامگرای ترکیه کمتر از آنچه که گمان می شد عمل گرا است نقش منطقه یی ترکیه همچنان ضعیف تر خواهد شد.

تحلیلگران در ابتدای قیام های عربی تصور می کردند مصر و یا تونس از الگوی ترکیه پیروی کنند اما این الگو در حال از دست دادن درخشش خود است.

بخش نخست

لباس تنگ دشمن سلامتی شماست!

لباس تنگ باعث ایجاد اختلال در جریان خون، احساس کوفته‌گی و خسته‌گی، دل درد، نفخ شکم، عفونت ادراری در خانم‌ها، خارش و سوزش پوست، آگزمای تماسی، زخم و بریده‌گی پوستی، ترش کردن غذا، رشد قارچ‌های پوستی و حتی سرطان سینه در خانم‌ها می‌شود.

در گذر زمان و با تغییر نسل‌ها، گویا یک پدیده اجتناب‌ناپذیر است و آن کوچک شدن همه چیز است. خانه‌های نقلی، موترهای کوچک، پتلون‌های کوتاه و تنگ، ماتوهای چسپان و پیراهن‌های تنگ. این موارد آخر در ذهن تداعی می‌کند که خیاط همیشه پارچه کم می‌آورد.

اما این لباس‌های تنگ اگر محصول جبر زمانه نباشند، حاصل مُد که هستند. اما این مد برای سلامت بدن خطرناک است.

لباس تنگ، عروق پوست را تحت تاثیر قرار داده و در قسمت‌هایی مانع گردش صحیح خون می‌شود، به خصوص اگر تنگی لباس در ناحیه لگن، زانو، سینه و حلقه آستین‌ها باشد. همین اختلال جریان خون باعث همان عارضه شایع لباس‌های تنگ می‌شود، یعنی احساس کوفته‌گی و خسته‌گی. البته گاهی این تنگی به حدی زیاد می‌شود که قسمت‌هایی از پوست کبود می‌شود.

یکی دیگر از مشکلات لباس‌های تنگ، مشکلات گوارشی است. در واقع لباس تنگ، حرکات دودی (حرکات کرم‌گونه) دستگاه گوارش را مختل می‌کند و موجب تجمع گاز در معده و نفخ شکم می‌شود که معمولاً با درد شکم همراه است.

هم‌چنین پوشیدن لباس زیر تنگ، باعث افزایش احتمال ابتلا به عفونت مثانه در خانم‌ها می‌شود.

یکی دیگر از عوارض لباس‌های تنگ، نوعی کهیر به نام کهیر فشاری است. این نوع کهیر در اثر فشار موضعی بر بدن ایجاد می‌شود. معمولاً ۴ تا ۶ ساعت پس از پوشیدن لباس تنگ، یک تورم عمقی همراه با خارش، سوزش و درد ایجاد می‌شود که پس از ۸ تا ۲۲ ساعت از بین می‌رود. گاهی تب و لرز، ضعف، خسته‌گی و سردرد هم در کنار این عارضه وجود دارد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد پوشیدن لباس‌های خیلی تنگ در بلندمدت، احتمال گسترش تومورهای سرطانی را در بافت سینه افزایش خواهد داد.

اگر آلرژی دارید لباس تنگ نپوشید

پوشیدن لباس تنگ در افراد سالم مشکل چندانی ایجاد نمی‌کند، زیرا معمولاً افراد به مدت طولانی لباس تنگ نمی‌پوشند و آن را پس از ساعاتی تعویض می‌کنند. پوشیدن لباس تنگ معمولاً برای افرادی مشکل ایجاد می‌کند که زمینه آلرژی و حساسیت دارند.

مهم‌ترین لباسی که ایجاد مشکل می‌کند، معمولاً شلوارهای جین تنگ است نه بلوزهای تنگ.

لباس تنگ در افرادی که زمینه آلرژی دارند، باعث ایجاد آگزمای تماسی می‌شود، به خصوص این‌که لباس‌های زیر و بلوزها معمولاً از جنس نخ نیستند و حتماً در آنها از مواد نایلونی و پلاستیکی استفاده می‌شود.



بخش سوم و پایانی

آنا رشیسم و سیاست بنیادستیز



سائول نیومان
برگردان: عباس شهرابی فراهانی

من بر این باور نیستم که این شیوه‌های نوین به خودی خود جهان را تغییر میدهند. با این حال، باور دارم آنها در سطوح کوچک موثرند، یا حداقل ممکن است در آینده موثر باشند. یا اینکه چالشبرانگیز نیستند. اما با این حال، آنها شیوه جدیدی از سیاست‌ورزی را ارایه میدهند و برای ما یک زبان سیاسی نو فراهم میکنند. اینکه آنها برای نظم کنونی تهدیدآورند را میتوان در حضور گسترده پولیس و اقدامات امنیتی که در این اجلاس‌ها گسترش میابند، دید. زیرا اربابان سیاسی و اقتصادی جهان ما آشکارا نگران چیزی هستند.

آنچه نظر مرا درباره این اشکال جدید سیاست جلب میکند این است که آنها ماهیتاً آنارشستی هستند - در حقیقت، این کیفیت آنارشستی توسط بسیاری از اشخاص تأیید شده است (برای مثال بنگرید به گریبر، ۲۰۰۲؛ گوردون، ۲۰۰۸). این را میتوان به شکل‌های بیشماری رؤیت کرد. اولاً، همان‌طور که بحث کردم، این شکلی از سیاست است که دولت را نفی میکند و خارج از محدوده ساختارهای سیاسی نماینده‌گی عمل میکند: کنش‌ورزان علاقهبی به شرکت در انتخابات یا به کسب قدرت دولتی ندارند. این موجب نمیشود آنها از دولت مطالبه نداشته باشند - مطالباتی که در عین حال خود حاکمیت دولت را به چالش میکشد. برای مثال، مطالبه پایان دادن به نظارت پولیسی بیرحمانه بر مرزها و بازداشت پناهنده‌گان و پناهجویان، در عین حال حاکمیت دولت بر قلمرو ملیاش را نیز زیر سوال میبرد، هم‌چنین توجهات را به تناقض مرکزی سرمایه‌داری جهانی جلب میکند: این امر که سرمایه‌داری جهانی جریان آزاد کالاها و سرمایه را به بیرون از مرزها تشویق میکند، در حالی که سنگین‌ترین محدودیتها را بر جابه‌جایی اشخاص اعمال میکند. ثانیاً، در ساختارهای سازمانی و کنشهای واقعی بسیاری از این جنبشهای بنیادستیز، تأکید بر عمل مستقیم و تمرکززدایانه و تصمیم‌گیری مردمی و از پایین وجود دارد. این شکلی از سیاست، بدون یک حزب پیشگام، بدون وجود شخصی در نقش رهبری، است. گاهی اوقات، این امر چالشبرانگیز و ناجور از کار درمی‌آید، به ویژه هنگامی که عمل هماهنگ مورد نیاز است - اما به طور کلی، من این انکار سلسله‌مراتب، رهبری و اقتدار را امری خوشایند تلقی میکنم. مسأله مذکور این ایده آنارشستی را در پی دارد که هر

و حتا تمایلی به سلطه داریم که باید پیش از آزاد کردن خودمان، آن را از میان ببریم. بنابراین، نه تنها شورش، تمایلی به پیمودن راه نهادها ندارد - چنانکه انقلاب مایل است - بلکه می‌توان آن را به عنوان نوعی عصیان شخصی، تلاشی برای بیرون کشیدن خودمان از بند قدرت، دید. شورش میتواند اشکال متعددی به خود بگیرد - در حقیقت، شورش‌های متعددی در سطح زندگی روزمره وجود دارد. با این وجود، یکی از مهمترین شورشها، آزمودن کنشهای سیاسی آرتناتیو (جایگزین/بدیل) و شیوههای زیستی است که تحت قاعده‌مندی دولت قرار ندارند: به عبارتی دیگر، نشان دادن این امر که زنده‌گیها و جماعتها را میتوان بدون مداخله دولت، زیست و سامان‌دهی کرد، خود یک نوع راهی از قدرت دولت است. این گریز از سیاست نیست - بلکه دقیقاً برعکس است: این یک کناره‌گیری فعال است که اساساً اقتدار نمادین دولت را زیر سوال میبرد. قدرت دولت بر ما به شناختمان از این قدرت (به رسمیت شناختن این قدرت از سوی ما) بسته‌گی دارد، و چنانکه اشتیرنر (۱۹۹۵: ۲۸۰) میگوید، اگر ما دیگر این قدرت را به رسمیت نشناسیم، آنگاه "تشکیلات به خودی خود نابود میشود."

منابع

Gordon, U. (۲۰۰۸) *Anarchy Alive! Anti-Authoritarian Politics: From Practice to Theory* (London: Pluto Press).
Graeber, D. (۲۰۰۲) 'The New Anarchists', *New Left Review*, ۱۳ (Jan/Feb): ۶۱-۷۳.
Michels, R. (۱۹۶۲) *Political Parties: a Sociological Study of the Oligarchical Tendencies of Modern Democracy* (New York: Free Press).
Stirner, M. (۱۹۹۵) *The Ego and Its Own*, ed. D. Leopold (Cambridge: Cambridge University Press).
Tocqueville, A. de (۱۹۹۴) *Democracy in America*, trans. G. Lawrence (London: Fontana Press).
مطلب حاضر، ترجمه مقاله «آنا رشیسم» نوشته سائول نیومان (Saul Newman) است که در کتاب «امروزه سیاست بنیادستیز چه معنایی دارد؟» نیز آمده است:
Newman, Saul, "Anarchism", in *What is Radical Politics Today?*, ed. Jonathan Pugh, (Hampshire: Palgrave Macmillan). pp. ۲۲۳-۲۲۹

انقلابی علیه قدرت سیاسی باید در صورت و در هدف لیبرتاری‌ین باشد؛ اینکه پروژه‌هایی که خواهان براندازی قدرت از طریق وسایل اقتدارگرایانه است - مانند ایده یک پیشگام حزبی لنینیستی متمرکز - به‌زودی در دام قدرت فرو میافتد و صرفاً به همیشه‌گی بودن آن خاتمه میدهد. ثالثاً، این سیاست بنیادستیز نوین هم از سیاست نبرد طبقاتی مارکسیستی و هم از سیاست هویت (tity politics) که طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی جریان مسلط بود، فراتر میرود. این یک سیاست طبقه‌محور به معنای سنتی کلمه نیست، زیرا به نسبت موارد صرفاً اقتصادی (حتا آنهايي که اغلب به سرمایه‌داری جهانی مربوطاند) محدوده بزرگ‌تری از مسایل را در بر میگیرد - مانند محیط زیست، قدرت دولتی، خودمختاری، حقوق بومیان، وضعیت مهاجران "غیرقانونی" و مواردی از این قبیل. از سوی دیگر، این سیاست، سیاسی مبتنی بر ابراز یک هویت - فرهنگی، قومی، مذهبی، جنسی - نیست؛ شناختی وجود دارد مبنی بر اینکه یک هویت متفاوت، به خودی خود، نظام قدرت را تهدید نمی‌کند (سرمایه‌داری دولتی نظامی است که میتواند تفاوت هویتی را تا حد مشخصی سازگار کند - در واقع، حتا فعالانه آن را تأیید میکند، و تمایزات جنسی، قومی و مذهبی را، تا جایی که از حد مشخصی تجاوز نکنند و غیرسیاسی باقی بمانند، ترویج میکند). در حقیقت، ادعای من این است که سیاست بنیادستیز آینده، بیشتر ۴۴ سیاست ناهمسانسازی (- disidentific tion) بدل خواهد شد، که منظور من از آن نه صرفاً زیر سوال بردن ساده هویت‌های استقرار یافته، بلکه نوعی کناره‌گیری از نظام قدرت است. برای روشن شدن این موضوع، قصد دارم مفهوم "شورش" نزد فیلسوف آگزیستانسیالیست قرن نوزدهم آلمان، ماکس اشتیرنر (۱۹۵۳: ۲۸۰) (Max Stirner)، و معنای متفاوتی را که با انقلاب دارد، پیش بکشم:

هدف انقلاب، نظم جدید است؛ شورش دیگر ما را به سوی تحت نظم قرار گرفتن نمیبرد، بلکه ما را به سمت نظم و ترتیب دادن به خودمان رهنمون میشود، و هیچ امید درخشانی به "نهادها" ندارد. شورش، نبردی علیه تشکیلات نیست، زیرا اگر کامیاب شود، تشکیلات به خودی خود نابود میشود؛ صرفاً عملکردی است که مرا از تشکیلات بیرون میکشد.

آنچه اشتیرنر در این‌جا به آن میرسد این است که رابطه‌ما با قدرت بیش از آن‌چه ما تصور میکنیم پیچیده است، اینکه ما یک سرمایه‌گذارِ روانی در قدرت کرده‌ایم

قیام «ناپوشیده‌گی» های هستی زن - انسان در سنگ‌باران

بعقوب یسنا
بخش دوم و پایانی



باران سجادی می‌خواهد به عنوان یک انسان، هزاران ناگزیری انسانی را به‌ویژه از زن-انسان را در خودش پیدا کند و در خودش، نشانه بگیرد. او به سوی پاشنه‌های پای آشیل و نقطه‌ضعف‌های خودش نشانه می‌گیرد: «.../ شلیک می‌کنم/ از شقیقه‌ام/ به حادثه چشم‌های تو/ نمی‌دانم این چشم‌های تو چرا از ذهنم بیرون نمی‌روند/ همه شلیک‌هایم به خطا می‌روند/ زیر همه پاییزها خودم را پیدا می‌کنم/ نگران به ماشه‌ها نگاه می‌کنم/ دستمال‌های سفیدی به ماشه‌ها می‌بندم/ و همه لحظه‌ها که بوی نا می‌دهند/ غزاله‌های شهرم که فاحشه‌گی می‌آموزند/ و شمارش قلبم که کم و بیش به کما می‌رود/ به من نگاه کن/ ماهیچه‌هایم قرمز است/ و صدایم که مثل کرمی گرسنه میان این همه تعفن معصوم مانده است/ من کت مشک‌ام را به دندان گرفته‌ام/ و همه اعضایم را تمیز می‌کنم/ می‌روم/ از گونه‌های دور تو هم عبور می‌کنم/ خودم را که پاره پاره نمی‌توانم بدوزم/ به اولین چای‌خانه سنتی که می‌روم/ و کت مشک‌ی پاره پاره‌ام را روی اولین صندلی خالی پرت می‌کنم» (هبوط/ ۹۲).

در این شعر، شاعر از شقیقه‌اش شلیک می‌کند. در ظاهر تصور می‌شود که به سوی کسی، شاید به سوی معشوق، شلیک کرده است؛ اما این شلیک‌ها به سوی خودش است، چون به هیچ کسی آسیب نمی‌رسد. کسی دیگر وجود ندارد؛ آن‌چه با این شلیک‌ها آشکار می‌شود، نقطه‌ضعف‌های انسانیت باران است، چون شاعر، تنها کسی را که پیدا می‌کند خودش است، و پاره پاره‌های خودش که حتا دیگر نمی‌شود این پاره‌ها را دوخت و پینه کرد. هویت انسانی شاعر، در درون شعر، دچار تبادل می‌شود با پاره‌گی‌های کت مشک‌ی که از خود شاعر است و روی صندلی خالی پرت شده است؛ این تبادل هویت بین انسان و کت، می‌تواند بیانگر فراموشی انسان و وجود انسان در روزگار ما باشد؛ که این فراموشی انسان، برای انسانیت، نقطه‌ضعفی است که شاعر در فراموش‌شده‌گی خودش، فراموش‌شده‌گی انسان را به نمایش می‌گذارد.

۴
باران در سنگ‌باران، چشم‌انداز کلی از انسان را خاص‌تر می‌کند، و با این خاص‌تر کردن می‌خواهد ناپوشیده‌گی‌های زن انسان را به نمایش بگذارد. مراد از ناپوشیده‌گی‌ها امرهای وجودی است؛ امرهایی که در فرهنگ بشری یا به طور خاص‌تر، در فرهنگ ما نقطه‌ضعف‌های انسان در نظر گرفته می‌شود. اما این ناپوشیده‌گی‌ها، ساخت وجودی انسانی ما است که هرچه بخواهیم انکارش کنیم، فراموش ناپوشیده‌گی‌های وجود، پنهان نمی‌شود.

باران سجادی، ناپوشیده‌گی‌های وجود را (که در جان و تن زن-انسان به‌شدت و با خشونت نفرین شده، سانسور شده و نادیده انگاشته شده است؛ حتا در کل، زن-انسان را به عنوان امر ممنوع قابل تصور و فهم کرده است) با رویکرد انسانی خودش که رویکرد اعتراض‌برانگیز است، به نمایش می‌گذارد. با این نمایش‌گذاری می‌خواهد توجه انسان را به این ناپوشیده‌گی‌های وجود، هم‌چون امر هستی‌داری که نمی‌شود انکارش کرد، که نمی‌شود نادیده‌اش انگاشت، معطوف کند.

زن-انسان سنگ‌باران، امیدهای انسانی دارد؛ دلش می‌خواهد: «.../ هنوز دلم می‌خواهد پاهایم را به زمین بکوبم/ و لباس‌های پاره بپوشم/ دلم می‌خواهد سینه‌هایم را زیر باغچه قدیمی خانه‌امان برقصانم/ دلم می‌خواهد لب‌هایم را کلفت‌تر نشان بدهم/ دلم می‌خواهد عینکم را روی صور تم جابه‌جا کنم/ دلم می‌خواهد با یک قلم‌موی تیره روی تن تب‌دارم شعر بنویسم/ دلم می‌خواهد تو مرا ببینی/ وقتی همه تنم مملو از نوشته‌های غریب می‌شود/ دلم یک فنجان شراب احمد سیلانی می‌خواهد/ و یک نگاه بی‌آزار» (زنی با ناخن‌های مصنوعی/ ۱۴۱).

شخصیت‌های زن-انسان سنگ‌باران چنین دل صاف و ساده دارند؛ می‌خواهند تن‌شان برای‌شان و دل‌خوشی‌شان باشد تا احساس‌شان را با تاتو روی تن‌شان به نمایش بگذارند؛ احساسی که سرکوب شده است؛ احساسی که نادیده انگاشته شده است.

شخصیت‌های زن-انسان سنگ‌باران، از ناپوشیده‌گی‌های وجودشان فرار نمی‌توانند، و نمی‌خواهند ناپوشیده‌گی وجودشان انکار شود و نادیده انگاشته شود؛ عریان می‌شوند،

خون باکره‌گی‌شان را به یاد می‌آورند (آیه‌های مقدس/ ۱۷۴)؛ خون‌ریزی ماهانه دارند (عصر خون و انتحار/ ۲۰۴)؛ پرده‌های بکارت‌شان، به نظر مردان تنها هویت‌شان است که هزار بار دریده شود (باکره‌گی افکار/ ۲۰۶). زن-انسان‌های سنگ‌باران، زنانی هستند ممکن که خون‌ریزی ماهانه‌شان را با اعتماد به نفس کافی از سرشان و می‌کنند و بعد از کشتن همه سلول‌های فاسد مغزشان، دوباره به غاری پناهنده می‌شوند که دو هزار سال پیشینه دارد (عصر خون و انتحار/ ۲۰۴)، مادر می‌شوند، نمی‌دانند کجا بار بر زمین خواهند گذاشت، و زن می‌زایند؛ اما زن برهنه (طنین کلاغ‌ها/ ۱۸۴)، حتا می‌توانند بر مادینه‌گی‌شان برای لحظه‌ی شک کنند (اقایای دانشمند/ ۱۶۰).

ناپوشیده‌گی‌های وجود زن-انسان که در معرفت مردانه، نقطه‌ضعف‌های وجودی زن در نظر گرفته شده است، و زنان هم بنا به معرفت مردانه، تلقین شده که این ناپوشیده‌گی‌ها، نقطه‌ضعف‌های‌شان است؛ در سنگ‌باران، این ناپوشیده‌گی‌ها نه نقطه‌ضعف، بلکه به عنوان ناپوشیده‌گی‌های وجود یک زن در نظر گرفته می‌شود که زن بودن بسته به این ناپوشیده‌گی‌های انکارناشدنی وجودی زن-انسان، است.

۵
دانیی و افتادن در معرفت عاشقانه برای شخصیت‌های سنگ‌باران، متفاوت از عشق‌های معمولی است. عشق در سنگ‌باران به نهایت وجود داشتن می‌انجامد؛ تن و جان در عشق است به وجود داشتنش پی می‌برد، به وجود داشتن مملو از شور و جنون هم‌آغوشی که حتا این هم‌آغوشی با شیشه‌ها اتفاق می‌افتد (مروه و صفا/ ۱۴۴). پوست درختان، و سوسه عشق را در وجود زن-انسان شعرها می‌انگیزد و با صدای گنجشک‌ها بیدار می‌شود که دست کسی، او را کیمیا کرده است؛ عشق در سنگ‌باران می‌تواند جان آدمی را جان زن-انسان را کیمیا بسازد (حج واجب/ ۹۷). عاشق‌ها، عاشق‌های ممکن هستند، حتا مجازی؛ زیرا قرن‌ها پیش به رگ‌های گردن زنی خیره شده‌اند، اما هنوز در رگ‌های گردن زن، هم‌چون خیالی به وجود داشتن‌شان، پافشاری دارند (قاتل زنجیره‌ی/ ۶۹). و عشق روایت سهمگینی است: «روی لب‌هایم می‌خوابم/ و جایی دورتر نفس‌هایم به شماره می‌افتد/ از این‌همه هیجان نزدیک است جان بدهم زیر عرق‌های سینه تو/ برهنه می‌شوم زیر همه سنگینی لحظات‌مان/ و آلوده دست‌های مهربانت تا بهشت رانده می‌شوم/ تنها بازوان تو است که فشارم می‌دهد این‌جا/ و من به چشم‌هایم ایمان می‌آورم» (لب‌های برهنه/ ۱۲۹). با همه سهمگینی عشق، بازهم می‌شود حساب عشق را با نفس‌های منقطع، اندازه گرفت: هزار نفس منقطع و هزار سیگار بی‌فرجام حالا

در دل تنهای شب همه زانگی‌ام را ضرب می‌کنم به ضربان قلب تو و ضربات مردانه‌گی‌ات در گوشم (ضربان قلب/ ۶۱)

۵
روایت زنده‌گی، عشق و انسان، تنها در این دینا نه، بلکه در دنیاهای ممکن، و در دنیای پسمارگی نیز قابل احساس و تصور است؛ شخصیت‌های شعری سنگ‌باران، هم‌زمان در دنیاهای ممکن، با احساس‌های ممکن، و در وضعیت‌های ممکن زنده‌گی و مرده‌گی، حضور دارند، و احساس متفاوتی را در هر وضعیتی از خودشان ارایه می‌کنند.

در سنگ‌باران مرز بین واقعیت و حقیقت، مرز بین زنده‌گی و مرده‌گی، مرز بین انسان و دیگر زنده‌جان‌ها، مرز بین انسان و چیزهای بی‌جان، وجود ندارد؛ رابطه‌ها و احساس‌ها چنان تو در تو و گشوده است که تبادل‌های بی‌نهایت در بین



من از هرگونه نقد هدایت‌گرانه و رهنمایی نقادانه که به جدایی مطلق نقد و متن ادبی انجامد، بیزارم.
نقد هم متن است و متن ادبی نیز. هم نقد و هم متن ادبی، هر دو ناسازهای خودشان را دارند؛ عقلانی نکردن و تقلیل ندادن متن به یک نظم، شرط ممکن من برای خوانش متن است.
و هر خوانش از متن، مقدمه‌یی بر خوانش بعدی از متن است. این نوشتار نیز مقدمه‌یی بود از خوانش سنگ‌باران؛ البته نه مقدمه‌یی برای ره‌گشایی، بل مقدمه‌یی به عنوان درگیری با شعر/متن‌های سنگ‌باران

موجودات اتفاق می‌افتد: «.../ وقتی شقایق‌ها بیدار می‌شوند/ من، زیر نور خورشیدی خودم را پیدا می‌کنم/ و منبسط شدم چه‌قدر نزدیک به غم‌های تو است...» (پارلمان نامنظم/ ۱۵)؛ «.../ آن وقت‌ها من آغشته کفش‌های قهوه‌یی با لژهای بزرگی استم که زیر نفس‌های من زنده‌گی می‌کند/ می‌دانم که خواهرم وقت خواندن من اشک می‌ریزد/ اما من هم‌چنان با سگک کفش‌هایم هم‌آغوشی می‌کنم/ و بوی این چرم ناخالص مرا به چرای بی‌مجنون مربوط می‌سازد/ جنون عاشقانه‌یی که از خیانت ارضا می‌شود...» (خودکشی فرهنگی/ ۷۶). این‌جا، مرز بین انسان و چیزها شکستناپذیر می‌شود، شقایق‌ها بیدار می‌شوند و انسانی با سگک کفش‌هایش عشق‌بازی می‌کند و به جنون ارضای عاشقانه‌یی دست می‌یابد.

بخشی از دانیی‌های شعری سنگ‌باران را شعرهای پسمارگی، ماهیت می‌بخشد. شعر و ادبیات پسمارگی، شامل ادبیات آوانگارد و پیشرو می‌شود؛ زیرا تخیل به خلاقیت ممکن می‌رسد و سخن از جهان‌های ممکن، از احساس‌ها و دانیی‌های ممکن گفته می‌شود.

دانیی‌های ممکن را که شاعر به شخصیت‌های شعری‌اش می‌بخشد؛ دیگر شخصیت‌های شعری‌اش صددرد زنده یا صددرد مرده نیستند، بلکه زنده‌مرده یا مرده‌زنده هستند. زمانی که مرده‌اند زنده نیز هستند، و زمانی که زنده هستند، مرده نیز هستند: «.../ زیر یک خاطره سیاه در شبی که همیشه مرا تکرار می‌کند/ حالا امشب سری به مرده‌هایم می‌زنم/ مرده‌ام سینی غذا به من تعارف می‌کند/ و روان من سال‌هاست خمیر خوش‌بختی؛ زنده‌گی را نمایش می‌دهد/ نمایش همه این زنده‌گی‌ها برای موجود افسرده‌یی چون من زیاد است...» (سرطان مغز/ ۳۲). شخصیت‌های شعری، در هنگام تشییع شدن‌شان حضور دارند، انبوه تشییع‌گران‌شان را می‌بینند و احساس‌های عجیب و غریب برای‌شان دست می‌دهد: «.../ و انبوه عزادارانی که مرا تشییع کرده بودند/ تا تدفین در عمق سیاهی چشمانت/ در من چیزی عبور می‌کند/ که مثل و سوسه گنگ و وسیع است/ کسی از لب‌های خورشید به من پیغام می‌آورد/ و من که پیامبر همه تشنه‌های کویر شده‌ام...» (انتهای خیابان شانزدهم/ ۲۹). عشق نیز در ادبیات پسمارگی سنگ‌باران، روایت ممکن خودش را دارد: «تمام خواهم شد/ زیر زبان تو آفریده می‌شوم دوباره/ وقتی صدایم می‌کند/ و دلم را به دریا می‌زنی/ من تابوت سیاهم را با جلد مخمل سبزی تریب می‌کنم...» (مسجد متروک/ ۱۵۰). در حین حالی که بخش‌هایی از بدن مرده است، بخش‌هایی از بدن زنده است و احساس مرده‌گی بخش‌های مرده بدن را می‌کند و بخش‌های بدن زنده، بخش‌های مرده بدن را متحمل می‌شوند: «.../ و پستان‌های باکره‌ام/ که اهرام‌های عاشق مرده‌اند روی قلبم/ درست روی قلبم/ و غمگین‌ترین حس غمگین/ از نوک این پستان‌ها به قلبم تزریق می‌شود...» (کوچه‌های بیرنگ/ ۱۶۹). با ادبیات پسمارگی است که با احساس‌های ممکن انسان، تماس گرفته می‌شود و انسان در احساس‌های ممکن، دریافتی می‌شود؛ احساس‌هایی که از مرگ به سوی زنده‌گی و از زنده‌گی به سوی مرگ توسعه می‌یابد و انسان را در وسط دلهره‌های ممکن، رها می‌کند.

۶
شاعر بنا به دانیی‌های شعرش، تصویرهای را می‌آفریند که معرفت ممکن مورد نظر را در جهان شعری سنگ‌باران توسعه می‌بخشد؛ در نهایت عشق چنین ایستاده‌گی صورت می‌گیرد: «.../ من در نهایت عشق ایستاده‌گی می‌کنم/ و آزاده‌گی ام پریدن مادیان سیاهی است از روی نرده‌های مزرعه‌یی پیر...» (مزرعه‌یی شبیه شیشه/ ۱۸)؛ احساس می‌کند: «.../ شبیه خوابی بعد ظهر/ درست مثل یک هم‌آغوشی سنگین یک‌طرفه/ تنها مانده‌ام.» (رمز در آهنی/ ۱۹)؛ حالش به: «.../ من حال پوست مرده پرتقالی را دارم/ که بی‌تقدیر درون پیش‌دستی روی میز شیشیه‌یی جا مانده...» (پوست مرده پرتقال/ ۲۹)؛ و اعداد و آسمان برایش بوی دارد: «.../ بوی پوسیده‌ترین عدد عالم دیوانه‌ام می‌کند/ به صفرها ملحق می‌شوم...» (تیغ‌های دسته دار/ ۸۸)، «.../ و لبریز می‌شوم از سوره‌های متین/ در کتاب مقدسی که بوی شدید آسمان می‌دهد...» (هبوط/ ۹۱).

تصویرها، فضای شعرها را می‌سازد؛ فضایی که از نهایت مجازی بودنش سهمگین است، و مجازی بودن، مرزها را درهم می‌تند؛ مرزهایی که تصور درهم‌تنیده‌گی‌اش را بیرون از سنگ‌باران نمی‌توان کرد. مومیایی‌ها از آن سوی قرن‌ها برمی‌گردند، شخصیت‌های شعری با زردترین برگ دنیا هم‌بستر می‌شوند، و مردمان فقط در ازدحام اینترنت به یکدیگر تنه می‌زنند: «.../ با زردترین برگ دنیا هم‌بستر می‌شوم/ و لب‌هایم را با غروب آفتاب پیوند سهمگینی می‌زنم/ و مردمان رهگذر در ازدحام اینترنت/ به یکدیگر تنه می‌زنند/ آغشته شده‌ام به تب تند سهراب...» (کوچه‌های بی‌رنگ/ ۱۷۰)، و «.../ تو/ که زیباترین مومیایی قرن اخیر در وبلاگ متروک من شده‌ای...» (دکمه‌های کت تنهای من/ ۱۸۰).

۷
تا پیش از این‌که نتوانم به این نوشتار ادامه بدهم، می‌خواهم یادداشتی بنویسم این‌که: «من از هرگونه نقد هدایت‌گرانه و رهنمایی نقادانه که به جدایی مطلق نقد و متن ادبی انجامد، بیزارم. نقد هم متن است و متن ادبی نیز. هم نقد و هم متن ادبی، هر دو ناسازهای خودشان را دارند؛ عقلانی نکردن و تقلیل ندادن متن به یک نظم، شرط ممکن من برای خوانش متن است.

و هر خوانش از متن، مقدمه‌یی بر خوانش بعدی از متن است. این نوشتار نیز مقدمه‌یی بود از خوانش سنگ‌باران؛ البته نه مقدمه‌یی برای ره‌گشایی، بل مقدمه‌یی به عنوان درگیری با شعر/متن‌های سنگ‌باران.

شعرهای سنگ‌باران، برای من هراس‌های زن-انسان معاصر، البته هراس زن-انسان افغانستانی که به آگاهی می‌رسد، بود؛ هراس‌هایی که دردش را هیچ کلان‌روایتی، درمان نخواهد کرد، و این زن-انسان، در وسط هراس‌های جهان با ناپوشیده‌گی وجودی زن-انسان، در شعرهای سنگ‌باران، ایستاده مانده و قیام کرده است برای ناپوشیده‌گی وجود و هستی زن-انسان.

کتاب: سنگ‌باران
شاعر: باران سجادی
چاپ نخست: تابستان ۱۳۹۲/ کابل

رایس کرزی را متقاعد خواهد ساخت؟



امتناع رییس جمهور کرزی از امضای قرارداد امنیتی با ایالات متحده آمریکا، پای سوزن رایس مشاور امنیت ملی رییس جمهور آمریکا را به کابل کشانید. مشاور امنیت ملی آمریکا، ناوقت روز گذشته در یک سفر از پیش اعلام نشده به کابل رسید و دیشب با حامد کرزی گفت‌وگو کرد. سخنگوی سوزن رایس مشاور امنیت ملی آمریکا گفت رایس روز دوشنبه با حامد کرزی رییس جمهور افغانستان در کابل دیدار می‌کند. پاتریک وانترل سخنگوی رایس به رویترز گفت: «رایس امروز (دیروز) عصر به درخواست کرزی با وی دیدار خواهد کرد.» تا اکنون جزئیات گفت‌وگوی رایس با حامد کرزی در رسانه‌ها بازتاب نیافته است.

تماس‌های روزنامه ماندگار با سخنگویان ریاست جمهوری در پیوند به جزئیات گفت‌وگوی حامد کرزی با سوزن رایس بی‌نتیجه ماند. مسوولان امریکایی گفته‌اند که رایس برای ارزیابی وضع مأموریت نظامی آمریکا در افغانستان به کابل سفر کرده است. این اولین سفر خارجی رایس به عنوان مشاور امنیت ملی آمریکا به شمار می‌رود. مشاور امنیت ملی آمریکا در حالی به کابل سفر می‌کند که هفته قبل حامد کرزی رییس جمهور افغانستان گفت وی امضای پیمان امنیتی میان آمریکا و افغانستان

را به بعد از انتخابات ریاست جمهوری اپریل سال آینده موکول خواهد کرد. اما مقام‌های امریکایی می‌گویند که رییس جمهور کرزی باید تا یک ماه دیگر پیمان امنیتی با ایالات متحده آمریکا را نهایی کند. سفر نابهنگام مشاور امنیت ملی آمریکا به کابل، اهمیت پیمان امنیتی را برای آمریکا نشان می‌دهد. معلوم نیست که آیا مشاور امنیت ملی آمریکا کرزی را برای امضای این سند متقاعد خواهد ساخت و یا خیر؟ این درحالی است که آگاهان می‌گویند آقای کرزی در

کرزی در تلاش استفاده...

از گفت‌وگوهای صلح، شروط تازه رییس جمهور کرزی است. داوود مرادیان آگاه روابط بین‌الملل و عضو جرگه مشورتی می‌گوید: «امتناع رییس جمهور از امضای این سند، تیرنه کردن خودش از تبعات احتمالی این پیمان است که اگر پیامد مثبت داشت ادعا کند که تصمیم او بود؛ اما اگر بد شد، در این صورت خواهد گفت که من نمی‌خواستم امضا کنم؛ ولی بر من فشار آوردند و مجبور کردند.» او تأکید کرد، رییس جمهور خود می‌داند که این شرط‌ها یک نوع نمایش سیاسی است؛ بنابراین می‌توان گفت که حامد کرزی اردابی برای امضای این پیمان ندارد.

به باور این عضو جرگه مشورتی، شرط‌هایی را که رییس جمهور کرزی در اختتامیه جرگه مشورتی برای امضای پیمان امنیتی با ایالات متحده آمریکا گذاشت، غیرقابل اجراست.

به گفته مرادیان، موافقت اعضای جرگه مشورتی با امضای این سند، نشان‌گر موافقت همکاری مردم افغانستان با آمریکا است؛ بنابراین در صورت امتناع حامد کرزی از امضای این سند، آمریکا نباید یک ملت را قربانی خواست یک فرد نماید.

مرادیان هم‌چنان می‌گوید، این سند پیش از فرا رسیدن سال میلادی جدید و پیش از برگزاری انتخابات باید به امضا برسد.

در همین حال، سید آقا حسین فاضل سانچارکی سخنگوی ائتلاف ملی، شرایط حامد کرزی برای

امضای سند پیمان امنیتی با آمریکا را «معقول و منطقی» نمی‌داند. او می‌گوید، تأمین امنیت، برگزاری یک انتخابات شفاف و به ثمر رسیدن مذاکره با مخالفان، کار ساده نیست و نیاز به زمان طولانی دارد. به گفته آقای سانچارکی، اگر انتخابات شفاف برگزار شود، اگر امنیت سراسری تأمین شود و اگر مصالحه ملی به ثمر برسد، دیگر چه نیازی به همکاری‌های امنیتی با آمریکا و حضور نیروهای خارجی در افغانستان است؟

سخنگوی ائتلاف ملی تصریح کرد، پس پیمان امنیتی به‌خاطر تحقق همین موارد است؛ بنابراین شروط حامد کرزی ناشی از انگیزه‌های شخصی اوست. وی افزود، هر چه به زمان برگزاری انتخابات نزدیک‌تر می‌شویم، حامد کرزی خود را در حالت سقوط می‌بیند و تلاش می‌کند تا در آخرین لحظه‌ها از امضای پیمان امنیتی هم به نفع خود استفاده کند. او گفت که آقای کرزی منافع شخصی خود را با یک مسأله کلان ملی گره می‌زند که پیامدهای جبران‌ناپذیری برای افغانستان خواهد داشت.

سانچارکی گفت، پس از سال ۲۰۱۴ حضور نیروهای امریکایی در افغانستان قانون‌مند نیست؛ بنا امریکایی‌ها مجبور هستند که یا حضور خود را قانون‌مند سازند و یا افغانستان را ترک کنند؛ اما رییس جمهور می‌خواهد با معطل گذاشتن قضیه و در نهایت خروج نیروهای خارجی یک حالت فوق‌العاده را اعلام کند و برگزاری انتخابات را به تعویق بی‌اندازد.

او اضافه کرد: «افغانستان امروز از لحاظ اقتصادی، امنیتی و حتا روانی، سخت نیازمند حضور نیروهای خارجی

است، اما در صورتی که نیروهای خارجی افغانستان را ترک کنند و کمک‌ها هم قطع شود، پیامدهای آن برای ثبات و امنیت افغانستان بسیار خطرناک خواهد بود؛ بنابراین این سند باید به امضا برسد. اما شهلا فرید استاد دانشگاه و عضو جرگه مشورتی می‌گوید، این سند را حامد کرزی امضا خواهد کرد؛ اما نگرانی ما از مجلس نماینده‌گان است که شاید این سند از سوی نماینده‌گان مردم رد شود.

این عضو جرگه مشورتی افزود، من از عدم امضای این سند توسط حامد کرزی هراس ندارم، زیرا او به اعضای جرگه مشورتی تعهد کرد که این سند را امضا خواهد کرد؛ اما ما از عدم تصویب این سند در پارلمان بسیار نگران هستیم، زیرا شاید تعدادی از نماینده‌گان با آن مخالف باشند.

به گفته این استاد دانشگاه، این سند در میان اعضای جرگه مشورتی مخالفتی داشت و برای ما هم امضای این سند قابل قبول نبود؛ اما شرایط افغانستان ایجاب می‌کند که این سند باید به امضا برسد.

او تأکید کرد، همان طوری که برای ما موافقت با امضای این سند کار مشکلی بود، شاید برای حامد کرزی هم کار ساده‌یی نباشد و شاید به همین دلیل، شرایطی را برای امضای آن پیشنهاد می‌کند.

لویه جرگه مشورتی، سند قرارداد امنیتی و دفاعی با ایالات متحده آمریکا را تأیید کرد و از رییس جمهور کرزی خواست که این سند را پیش از برگزاری انتخابات و سال ۹۳ برگزار کند.

اما آقای کرزی ظاهراً تا اکنون از امضای این سند خودداری کرده است.

ناجیه نوری

هستند به مراتب وضعیت بهتری نسبت به زنانی دارند که از نگاه اقتصادی به شوهران و یا سایر افراد خانواده وابسته می‌باشند.

خانم سمر گفت که باید زنان بیشتری به عنوان سارنوالان و کارمندان قضایی در دستگاه قضایی افغانستان استخدام شوند. او تأکید کرد که مصونیت از جرم باید از بین برود و پولیس هر کسی را که علیه زنان خشونت می‌کند، به پنجه قانون بسپارد: «ما خواستار این هستیم که پولیس زمانی که جرم صورت می‌گیرد، منتظر نشیند که شکایت صورت گیرد. یکی از کارهایی که باید صورت گیرد، مبارزه علیه عنعنات ناپسند است.»

کمیسون حقوق بشر می‌گوید برخی پدرها، دختران را معامله می‌کنند و بعضاً آن‌ها را در عوض قرضداری خود می‌فروشند که چنین وضعیتی باید پایان یابد.

هند به افغانستان کمک...

و تعدادی خودرو شامل موارد خواسته شده افغانستان است.

همچنین دولت افغانستان از هند خواسته که مسوولیت آموزش و نگهداری تجهیزات هندی در افغانستان را نیز به عهده بگیرد. گفته می‌شود همچنین دولت افغانستان از دهلی نو خواسته است که یک پایگاه نظامی نیز در افغانستان احداث کند.

حامد کرزی اواسط ماه جوزای سال جاری در سفر به هند از آن کشور خواست که سلاح‌های سنگین در اختیار نیروهای امنیتی افغانستان قرار دهد.

در آن زمان دولت هند در مقابل اعلام کرد که در حال بررسی این درخواست کابل است.

افغانستان برای تجهیز نیروهای نظامی خود با برخی از کشورهای خارجی پیمان راهبردی امضا کرده که هند یکی از آنها است و افغانستان ۲ سال پیش با این کشور پیمان استراتژیک امضا کرد.

هند از جمله کشورهایی است که در بخشی از پیمان راهبردی خود با کابل بر تجهیز و آموزش نظامیان افغان تعهد کرده است.

هند در بیش از یک دهه گذشته نزدیک به ۲ میلیارد دالر برای بازسازی افغانستان کمک کرده اما روابط هند با افغانستان همواره باعث نگرانی پاکستان همسایه جنوبی افغانستان بوده است.

تجهیز ارتش و نیروهای امنیتی افغانستان با سلاح‌های سنگین و پیشرفته همواره خواست دولت افغانستان بوده است که نیروهای خارجی در مدت حضور ۱۲ ساله خود آن را برآورده نکردند.

به اعتقاد دولت افغانستان، برای رویایی با حملات تروریستی در داخل و همچنین مقابله با تهدیدهای احتمالی از بیرون مرزهای این کشور، آنان نیاز جدی به سلاح‌های سنگین برای دوران پس از خروج نیروهای خارجی در سال ۲۰۱۴ میلادی دارند.

توافقنامه امنیتی هر چه...

گفت که گام اول، ایجاد صلح و ثبات توسط ایالات متحده در افغانستان است.

رییس جمهور افغانستان روز یکشنبه (۲۴ نوامبر) گفت: «اگر صلح نباشد، آن وقت توافقنامه برای افغانستان بدبختی خواهد آورد. صلح پیش شرط ما است. آمریکا باید برای ما صلح بیاورد، آن وقت ما آن را امضا می‌کنیم.»

علاوه بر این، کرزی گفت که ایالات متحده باید تلاشی خانه‌های مردم افغانستان را متوقف کند و در انتخابات سال آینده همکاری نماید.

رییس جمهور افغانستان پیش تر گفته بود که توافقنامه امنیتی پس از انتخابات ماه حمل امضا خواهد شد؛ اما او در سخنان روز یکشنبه خود به این مسأله اشاره نکرد. صیغت الله مجددی، رییس لویه جرگه در همین راستا گفت که امضای توافقنامه به سود افغان هاست و از کرزی خواست تا او به زودترین فرصت توافقنامه را امضا کند. مجددی گفت: «اگر رییس جمهور توافقنامه را بیدرنگ امضا نکند، من استعفا خواهم داد و به یک کشور خارجی پناهنده خواهم شد.»

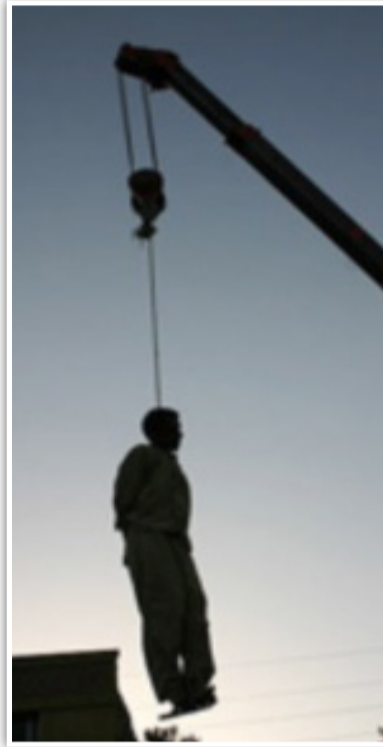
در همین حال، جان کری وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا ناوقت روز یکشنبه از تأیید «قاطع» توافقنامه امنیتی توسط اعضای لویه جرگه ستایش کرد و گفت: «من کدام تأکید عاجل دیگری را از سوی خود مردم افغانستان در مورد تعهد بلندمدت شراکت با ایالات متحده و همپیمانان بین‌المللی ما تصور نمی‌توانم.»

کری در ادامه یادآور شد: «گام حیاتی بعدی باید این باشد که [توافقنامه امنیتی] به زودی امضا و اجرا گردد؛ توافقی که پایه محکم هر دو کشور برای ادامه همکاری با یکدیگر برای ایجاد آینده امن تر و موفق تر برای افغانستان خواهد بود.»

در همین حال، گروه شورشیان طالبان فیصله لویه جرگه مشورتی افغانستان را محکوم کرد و اعضای آن را به «وطن فروشی» متهم نمود. در سوی دیگر، فضل کریم ایماق معاون ریاست لویه جرگه گفته است که «توافقنامه دو جانبه امنیتی» بین آمریکا و افغانستان به سود منافع ملی می‌باشد. مسأله تلاشی خانه‌های افغان‌ها توسط نیروهای امریکایی یکی از نقاط پر تنش بین آمریکا و حکومت افغانستان بوده است. حامد کرزی در این مورد گفت: «از حالا، عملیات نیروهای امریکایی بر خانه‌های ما، راه اندازی پوسته تلاشی در راه‌های ما به پایان رسیده است.»

اعضای لویه جرگه مشورتی همچنان از ایالات متحده خواستند تا ۱۹ زندانی افغان را به زودترین وقت از زندان گوانتانامو رها کند.

یک دختر و پسر به دستور شورای قبیله‌یی بغلان اعدام شدند



پولیس ولایت بغلان گفته که یک دختر و یک پسر جوان بر اساس تصمیم شورای قبیله احمدزی در منطقه دهنه غوری به اتهام فرار از منزل اعدام شده‌اند.

سیدجان احمدزی فرمانده پولیس محلی در این منطقه به بی بی سی گفت که این پسر و دختر دیزروز، ۳ قوس، پس از فرار، توسط مردان این قبیله دستگیر و در شورای قبیله محاکمه شدند. این مقام پولیس افزود که این دو جوان براساس حکم کتبی شورای قومی و به دست پدر دختر به قتل رسیدند و استدلال آنها حفظ ننگ و ناموس بوده است.

آقای احمدزی همچنین گفت که پس از دستگیری آنها، نیروهای امنیتی هم به منطقه حضور یافته بودند، اما هزاران تن از اعضای قبیله احمدزی مانع ارجاع این دختر و پسر به مراجع قانونی شدند.

به گفته او، این دختر با یک جوان دیگر نامزد بوده، ولی خواستار ازدواج با او نبوده و به همین دلیل با این جوانی که عصر دیزروز همراهش اعدام شد، پا به فرار گذاشت.

قتل این چینی آنها خشم مقامات در پایتخت را هم برانگیخته است. محمدمر داوودزی وزیر داخله به پولیس بغلان دستور داده که عاملان «تیرباران» این دختر و پسر را هر چه زودتر بازداشت کنند. این در حالی است که نگرانی از تصویب و اجرای قانون جرگه‌ها و شوراهای محلی، که تصمیم‌های این جرگه‌ها و شوراها را مشروعیت می‌بخشد، همچنان با برجا است.

از احیای مجازات سنگسار...

شده باشد.

■ «سنگسار تا مرگ»

براد آدمس، مسول بخش آسیایی دیدبان حقوق بشر می گوید: «بازگشت مجازات سنگسار، دوازده سال بعد از فروپاشی رژیم طالبان، تکان‌دهنده است.»

آقای آدمس افزوده: «رئیس جمهور کرزی با رد این درخواست، باید حداقل تعهد ابتدایی خود به ارزشهای حقوق بشری را به نمایش بگذارد.» به نقل از دیدبان حقوق بشر، در مواد پیشنهادی

دو سال پیش پیش نویس این قانون از سوی حکومت تهیه و آماده ارسال به پارلمان برای تصویب شد که تصامیم جرگه‌ها و شوراهای قومی رسمیت قانونی می‌داد. ولی طرح قانون با اعتراض‌های شدید نهادهای حقوق بشری، مدنی و مدافع حقوق زنان مواجه

این قانون آمده است که اگر دادگاه رابطه نامشروع جنسی دو نفر را ثابت می کند، و در صورتی که یکی از دو طرف متاهل باشد، هم مرد و هم زن محکوم به «سنگسار تا مرگ» می شوند. این ماده پیشنهادی افزوده که «اجرای سنگسار باید در یک محل عمومی از قبل تعیین شده صورت گیرد.» هم اکنون مجازات سنگسار در قانون جزای افغانستان که در سال ۱۹۷۶ تصویب شد، به رسمیت شناخته نشده است. احترام به حقوق بشر، از تعهدات اصلی دولت افغانستان به جامعه جهانی بوده است که بر مبنای آن، نهادهای دولتی این کشور مورد حمایت بین

ترتیب نام نامزدان ریاست جمهوری در برگه‌های رای دهی مشخص شد

کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان در یک قرعه‌کشی، ترتیب نام نامزدان انتخابات ریاست جمهوری را در برگه‌های رای دهی مشخص کرد.

نشان انتخاباتی نامزدان پیش از این در زمان ثبت نام تعیین شده بود. قرعه کشی ترتیب نام‌ها در برگه‌های رای دهی، روز گذشته در حضور شماری از نامزدان، نماینده‌های آنها و نهادهای مدنی انجام شد.

یوسف نورستانی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان گفت که بر اساس ترتیبی که روز گذشته مشخص شد، اسامی و تصاویر نامزدان در برگه‌های رای دهی چاپ خواهد شد.

فهرست نهایی نامزدان انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به تاریخ ۲۹ عقرب اعلام شد. نام داوود سلطانزوی که از فهرست ابتدایی نامزدان حذف شده بود، به اساس فیصله کمیسیون مستقل رسیدگی به شکایات‌های انتخاباتی به فهرست نهایی افزوده شد و شمار نامزدان انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به یازده نفر رسید.

۲۷ نفر خود را برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان ثبت نام کرده بودند که شماری از آنها از فهرست ابتدایی حذف شده بودند.

همچنان قرعه کشی برای ترتیب نام نامزدان انتخابات شوراهای ولایتی در برگه‌های رای دهی نیز امروز انجام شد.

به اساس فهرست نهایی اعلام شده از سوی کمیسیون مستقل انتخابات، ۲۷۱۳ نفر نامزد انتخابات شوراهای ولایتی هستند که از این جمله ۳۰۸ نفر آن زنان هستند.



تعیین موقعیت نام نامزدان در برگه‌های رای دهی، رای دهندگان را کمک خواهد کرد تا به سادگی نامزد مورد علاقه شان را پیدا و انتخاب کنند.

کمیسیون مستقل انتخابات می‌گوید که با اجرای این مرحله، یک قدم دیگر برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی در افغانستان به پیش گذاشته شد.

ترتیب فهرست نامزدان در ورق رأی دهی:

۱. عبدالله عبدالله
۲. محمد داوود سلطانزوی
۳. عبدالرحیم وردک
۴. عبدالقیوم کرزی
۵. اشرف غنی احمدزی
۶. محمد نادر نعیم
۷. زلمی رسول
۸. قطب الدین هلال
۹. گل آغا شیرزی
۱۰. عبدالرب رسول سیاف
۱۱. هدایت امین ارسلا

شد و با پافشاری وزارت امور زنان، تلاش‌ها برای تصویب آن متوقف شد.

یوسف حلیم معاون وزیر امور عدلیه به بی‌بی‌سی گفت که در حال حاضر تصویب این قانون دستور کار دولت نیست، اما احتمال آن وجود دارد که سال آینده در دستور دولت قرار گیرد. به نظر می‌رسد که قتل دختر و پسر بغلانی به دستور شورای قوم احمدزی بار دیگر اعمال قدرت شوراهای قومی در حوزه قضایی را در مرکز توجه نهادهای حقوق بشری و مدنی قرار دهد.

تجاوز جنسی به دو کودک از سوی دیگر، مقام‌های محلی در بغلان از تجاوز جنسی به دو دختر دیگر هم در این ولایت خبر دادند. به گفته این مقام‌ها، ابتدا یک دختر نه ساله مورد تجاوز جنسی قرار گرفت و به دنبال آن، برادر این دختر خواهر پانزده ساله پسر متهم را در ملا عام مورد تجاوز جنسی قرار داد.

جاوید بشارت سخنگوی پولیس بغلان به بی‌بی‌سی گفت که پنج تن به اتهام داشتن ارتباط با این دو قضیه بازداشت شده‌اند.

همزمان با انتشار این خبرها، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از افزایش ۲۵ درصدی خشونت با زنان در شش ماه نخست امسال در مقایسه با زمان مشابه در سال گذشته خبر داده است. این کمیسیون از دولت خواسته که برای کاهش موارد خشونت با زنان تلاش‌های بیشتری به خرج دهد.

المللی قرار گرفت. با نزدیک شدن زمان خروج نیروهای بین‌المللی از افغانستان و کاهش حضور جامعه بین‌المللی در این کشور، این نگرانی همواره مطرح بوده که دولت افغانستان تا چه اندازه به تعهدات خود در برابر ارزشهای حقوق بشری پایبند خواهد ماند. سنگسار از جمله شدیدترین موارد نقض حقوق بشر پنداشته می شود. دیدبان حقوق بشر در اعلامیه خود تاکید کرده که حامیان بین‌المللی افغانستان باید اطمینان حاصل کنند که پول کمک شده به افغانستان، در زمینه بازگرداندن افغانستان به دوره طالبان به مصرف نمی رسد.



په تاکنو د لاسوهني...

محمد ناطقي ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وویل، چې تاکنې د افغانستان کورنۍ مساله ده، چې د ښو ترسره کولو مسوولیت یې افغان حکومت لري.

هغه وايي، له امریکا د ښو تاکنو د ترسره کولو غوښتنه د درک وړ او هیچا ته د منلو وړ نه ده او نه باید ولسمشر دغه ډول غوښتنه وکړي. ده په خبره، چې ولسمشر کرزی له امریکا نه د دې غوښتنې تر شا نورې موخې لري او د دې موخو د ترسره کولو او پر امریکا د فشار راوړلو لپاره یې له لویې جرگې نه د وسیلې په توگه گټه پورته کړه.

ښاغلی ناطقي زیاتوي، تاکنې یوه ملي مساله ده، چې روڼوالی او عادلانه والی یې په حکومت پورې اړه لري او ټول سیاسي جریانونه، مدني ټولني او افغان ولس له افغان حکومته دا تمه لري، چې په هېواد کې ښې او رڼې تاکنې ترسره کړي، خلک دا تمه له امریکا نه لري.

نوموړې په دې اند دی، چې خلک په تاکنو کې د امریکا له لاسوهني اندېښمن نه دي، ځکه دا مسوولیت د حکومت دی او ټول له دې اندېښنه لري، چې حکومت له هغو دولتي امکاناتو نه په چې واک کې یې لري په تاکنو کې له هغوی نه د یوه ځانگړي وگړي لپاره گټه پورته نه کړي، په تاکنو کې لاسوهني ونه کړي او حکومت رڼو تاکنو ته باید زمینه برابره کړي.

دی وايي، ولسمشر یوازې دغه مساله لویې جرگې ته په خپله وینا کې مطرح نه کړه بلکې له دې وړاندې یې هم په ډېرو غونډو او ویناوو کې مطرح کړې چې امریکا دې په افغانستان کې رڼې تاکنې تر سره کړي.

د سیاسي چارو دغه کارپوه وايي، چې ولسمشر کرزی په تاکنو کې د امریکا په ښکېلتیا سره غواړي افغان حکومت، سیاسي گوندونو او د تاکنو خپلواک کمیسیون یې ارزښته کړي او هغوی ته په ارزښت قابل نشي، ځکه دا دنده د تاکنو د کمیسیون او نورو اړونده قانوني ادارو ته چې تاکنې ښې ترسره کړي.

د ښاغلي محمد ناطقي په وینا، چې خپله ولسمشر کرزی د تاکنیزو شکایاتو په کمیسیون کې دوه بهرنیان ونه منل نو اوس ولې خپله امریکایانو ته بلنه ورکوي چې په افغانستان کې ښې تاکنې ترسره کړي، خو خبره داده چې نوموړی په کې خپلې موخې لري.

انتقاد تند مارادونا از فیفا:

در جام جهانی ۹۴ به من ظلم شد



اسطوره فوتبال آرژانتین معتقد است که در جام جهانی ۱۹۹۴ دوپینگی انجام نداده و مسئولان فیفا به ناحق او را از ادامه رقابت‌ها محروم کردند.

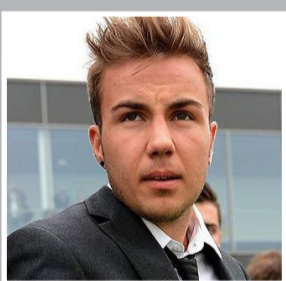
فدراسیون بین‌المللی فوتبال در جام جهانی ۱۹۹۴ دیگو مارادونا اسطوره فوتبال آرژانتین را به علت مثبت شدن نتیجه دوپینگش از ادامه رقابت‌ها محروم کرد.

هرچند مدت‌هاست که از این اتفاق می‌گذرد اما ال‌دیگو دل پری از فیفا دارد. او معتقد است که به او ظلم شد و هیچ‌گونه دوپینگی مرتکب نشد تا مجازات آن را پس بدهد.

مارادونا که در دوی به سر می‌برد، گفت: من از ماده لیوادرین برای سرماخوردگی استفاده کردم. نمی‌دانستم که این ماده جزو مواد ممنوعه فیفا است. بویژه اینکه در آمریکای جنوبی مردم به راحتی از این ماده استفاده می‌کنند بدون آنکه مشکلی به وجود آید. مردم در اینجا همچون شیرینی از این ماده استفاده

می‌کنند. من هم از آن برای بهتر شدن بیماری خود استفاده کردم. بعد از آنکه من را از ادامه رقابت‌ها محروم کردند، حزن و اندوه من را در بر گرفت. سرمربی و کادر فنی دیگر من را نمی‌خواستند. گذشته از این فیفا من را متهم به دوپینگ کرده بود. همه این‌ها درد من را بیشتر می‌کرد. خدا می‌داند که من به خاطر بهتر شدن وضعیت بدنی‌ام در میدان از این ماده استفاده نکردم اما آن‌ها اصرار داشتند که من را به تقلب و دروغ‌گویی متهم کنند. مسئولان فیفا معتقد بودند که من برای بهتر کردن شرایط بدنی خود از این ماده استفاده کردم ولی این اصلا حقیقت ندارد. مارادونا که مدتی را به خاطر مصرف مواد مخدر در بیمارستان تحت مداوا قرار گرفت به جوانان توصیه کرد که نزدیک این مواد نشوند. او گفت: الان متأسفانه دسترسی به مواد مخدر بسیار راحت شده است. کسانی که برای رهایی خود از مشکلات به این مواد پناه می‌برند سخت در اشتباه هستند. تفاوت زیادی بین مواد مخدر و مواد نیروزا وجود دارد. اولی یک بیماری به شمار می‌آید که باید هر چه سریع‌تر فرد مریض مداوا شود اما باید برای حالت دوم جریمه و مجازات در نظر گرفت. مارادونا در جام جهانی ۱۹۹۴ در دیدار تیمش برابر یونان به میدان رفت و یک گل هم به ثمر رساند. بعد از آن بود که نتیجه دوپینگ او مثبت اعلام شد و از ادامه رقابت‌ها کنار گذاشته شد.

ناراحتی گوتسه از تماشاگران دورتموند



مهاجم بایرن‌مونخ از شب تلخ خود در ایدونا پارک سخن گفت.

بوروسیا دورتموند در هفته سیزدهم بوندسلیگا با سه گل برابر بایرن‌مونخ تن به شکست داد. این دیدار برای یک بازیکن از حساسیت زیادی برخوردار بود و او ماریو گوتسه، مهاجم سابق دورتموند بود که این بار با پیراهن بایرن به میدان رفت و گل نخست تیمش را به ثمر رساند.

در این دیدار گوتسه در ترکیب اصلی تیمش به میدان نرفت اما پس از ورود به میدان در نیمه دوم با سوت‌های کرکننده هواداران دورتموند همراه شد تا نشان دهند که از پیوستن او به بایرن بسیار خشمگین هستند.

گوتسه در گفت‌وگویی که با تلویزیون باشگاه بایرن‌مونخ داشت از شب وحشتناک خود در ایدونا پارک گفت: «اصلا فضای خوبی نبود. صدای اعتراض به من از هر سوی ورزشگاه شنیده می‌شد. تعامل با چنین فضایی اصلا آسان

نی بود. می‌توانم تماشاگران دورتموند را درک کنم اما باید بگویم که از این حرکت آنها ناراحت شد. به خوبی می‌دانستم که بازی سرنوشت‌ساز و بسیار سختی برای دو تیم خواهد بود. بایرن‌مونخ بازی خوبی را به نمایش گذاشت. تمام بازیکنان عملکرد خوبی داشتند.» گوتسه پس از پایان این دیدار به رختکن دورتموند رفت و با هم‌تیمی‌های سابق خود دیدار کرد. او درباره این دیدار گفت: «همه بازیکنان دورتموند با من دوست هستند؛ چرا که سال‌ها در کنار هم بازی کردیم. آنها از شکست برابر بایرن ناراحت بودند.»

Mandegar

ابراز خرسندی سفیر امریکا از تصمیم لویه جرگه مشورتی



جیمز کانینگهام سفیر امریکا در کابل با ابراز خرسندی از تصمیم لویه جرگه مشورتی افغانستان گفت: منتظر امضای قرارداد هستیم. سفارت امریکا یکشنبه شب و پس از پایان کار اجلاس لویه جرگه مشورتی با انتشار بیانیه‌ی اعلام کرد: جیمز کانینگهام با ابراز خرسندی از تصمیم لویه جرگه مشورتی افغانستان گفته است که منتظر امضاء قرارداد است.

در متن این بیانیه آمده است: شرکت‌کنندگان لویه جرگه با صراحت در مورد همکاری افغانستان و امریکا و اعتقادشان مبنی بر اینکه این قرارداد آینده افغانستان را امن تر می‌سازد، سخن گفتند.

این بیانیه می‌افزاید: تصمیم نهایی لویه جرگه بر تداوم همکاری‌های امنیتی افغانستان با امریکا و سایر اعضای ناتو صحه گذاشت، ما با هم می‌توانیم برای پیشرفت وسیع افغانستان کار کنیم، ما منتظر امضای قرارداد هستیم.

کانینگهام در ادامه افزوده است: من خرسندم که لویه جرگه که از مردم افغانستان نماینده‌گی می‌کند، حمایت خود را از موافقتنامه امنیتی اعلام داشت و از رییس جمهور افغانستان خواست تا یکماه دیگر آن را به امضا برساند.

قرارداد موافقتنامه امنیتی به پارلمان افغانستان فرستاده شود و پس از آن رؤسای جمهور افغانستان و امریکا این پیمان را امضا کنند.

لویه جرگه مشورتی روز یکشنبه با انتشار قطعنامه‌ی مبنی بر ضرورت تغییر برخی مفاد پیمان امنیتی امضای آن را تصویب کرد.

سه طالب نامزد شورای ولایتی غزنی شده‌اند

محمد علی احمدی معاون والی غزنی گفته است، نام سه نفر از افراد طالبان در فهرست نهایی نامزدهای انتخابات شورای ولایتی غزنی دیده می‌شود که این مسأله نگران کننده است. وی افزود، حضور این افراد در میان نامزدهای شورای ولایتی به معنای این نیست که گروه طالبان به انتخابات باور داشته باشند، بلکه می‌خواهند از این طریق اهداف خود را دنبال کنند.

احمدی نام این افراد را افشا نکرده است. شماری از نهادهای اجتماعی غزنی نیز حضور اعضای طالبان در میان نامزدهای شورای ولایتی غزنی را نگران کننده دانسته و گفته‌اند: ممکن است این افراد برخی اطلاعات دولتی را به گروه طالبان انتقال دهند.

بر اساس گزارش کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان، شمار نامزدهای انتخابات شورای ولایتی در سراسر این کشور را دوهزاروهفتصد و سیزده نفر اعلام کرده که سیصد و هشت نفر از این نامزدها، رازنان تشکیل می‌دهند.

انتخابات شوراهای ولایتی به همراه ریاستجمهوری شانزدهم حمل سال آینده برگزار خواهد شد.



دیدبان حقوق بشر به حکومت افغانستان: از احیای مجازات سنگسار جلوگیری کنید

حامیان بین المللی افغانستان، به شمول نهادهایی که در بخش اصلاح سیستم عدلی افغانستان کار می‌کنند خواسته است که با این ماده پیشنهادی در قانون جزا مخالفت کنند.

این سازمان افزوده که دولت افغانستان باید بداند که بازگشت مجازات سنگسار در قانون جزای این کشور، روی ادامه کمک‌های بین المللی به افغانستان تاثیر بدی خواهد داشت.

رژیم طالبان در زمان حاکمیت شان در افغانستان، مجازات سنگسار را عملی می‌کردند. اما پس از ایجاد دولت جدید با حمایت جامعه بین المللی در افغانستان، مجازات سنگسار لغو شد.

با این حال، در دوازده سال اخیر، مناطقی که تحت کنترل گروه طالبان بوده، شاهد مواردی از سنگسار بوده است، اما شواهدی وجود ندارد که این مجازات از سوی ادارات دولتی اجرا...

سازمان دیدبان حقوق بشر از دولت افغانستان خواسته است که درخواست احیای مجازات سنگسار در قانون جزای افغانستان را نپذیرد.

این سازمان در اعلامیه‌ی نوشته است که هیاتی به ریاست وزارت عدلیه افغانستان که هم اکنون روی پیش‌نویس یک قانون جدید کار می‌کند، پیشنهاد کرده که موادی در قانون جزا در بخش «جرائم اخلاقی» اضافه شود که براساس آن، افراد متهم به «زنا» با مجازات سنگسار روبرو می‌شوند.

دیدبان حقوق بشر در اعلامیه‌ی خود از



روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی	دفا تر خارجی	نارسیده به منزل یا دفا تر	سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی	سه ماهه - ۱۰۰ دالر	سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی	شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی	شش ماهه - ۲۰۰ دالر	شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی	نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی	نه ماهه - ۳۰۰ دالر	نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی	یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی
	یک ساله - ۴۰۰ دالر	یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی	

برای دفاتر: حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰

په ټاکنو د لاسوهني اندېښنه له امریکا نه؛ بلکې له حکومته ده



په داسې حال کې چې ولسمشر کرزي له امریکا په افغانستان کې د ښو ټاکنو د ترسره کولو غوښتنه کړې، د سیاسي چارو یوشمېر شنونکي وايي، چې په هېواد کې د ټاکنو ترسره کول د امریکا دنده نه ده او ولسمشر خپل مسوولیت هېر کړی دی.

شنننډي وايي، په افغانستان کې رڼو ټاکنو ته د زمينې برابرول د حکومت دنده ده او په ټاکنو د لاسوهني اندېښنه هم له حکومته ده. د دوی په وینا، د ولسمشر د وینا متن سم دی خو ادرس يې غلط دی.

د سياسي چارو شنونکي ښاغلي حميدالله فاروقي مانډگار ورځپاڼې ته په مرکه کې وويل، چې لويې جرگې ته د ولسمشر کرزي ويناوې ډېر متضادې او متناقضې وې.

هغه وايي، دا چې ولسمشر کرزي له امریکا وغوښتل چې په افغانستان کې ښې ټاکنې ترسره کړي، له هغو څرگندونو سره يې ښکاره تضاد درلود چې له دې وړاندې نوموړي د ټاکنو د شفافيت په اړه کولې.

د ده په خبره، کابو يو نيم کال وړاندې همکاريو شورا د ټاکنو په قانون کې اصلاحات وړاندیز کړل؛ خو ولسمشر کرزي په شکاياتو کميسيون کې بهرنيان ونه منل او ټول هغه لاسونه د نوي قانون په تصويب سره لنډ شول، چې په ټاکنو کې ترې د لاسوهني وېره وه.

نوموړی په دې باور دی، دا چې اوس ولسمشر بيا له امریکا د ټاکنو ترسره کول غوښتي په حقيقت کې دا هېر کړي چې د ټاکنو ترسره کول په هېواد کې د چا دنده؟

ښاغلي فاروقي وويل، ولسمشر که دا خبرې د دې لپاره کړې

وي چې امریکا په غير مستقيم او يا مستقيم ډول له چا ملاتړ ونه کړي او په ټاکنو کې لاسوهني ونه کړي ښه خبره او دا بايد ټولو واليانو او ولسوالانو ته هم وويل شي؛ خو که يې هدف دا وي چې امریکا دې ټاکنې ترسره کړي دا يوه متضاده خبره ده. هغه زياتوي، د ولسمشر د وينا متن درست دی خو ادرس يې غلط دی، د ښو ټاکنو ترسره کول بايد له امریکا نه وای غوښتل شي بايد همدغه غوښتنه د ټاکنو کميسيون ته شوې وای او پر هغوی غږ شوی وای، چې په هېواد کې ښې ټاکنې ترسره کړي. د کابل پوهنتون د ياد استاده په وينا، چې د ولسمشر هره خبره د قانون او يو سياسي متن حيثيت لري او نه بايد ولسمشر دغه ډول متضادې او بې ربطه خبرې وکړي، په کار ده چې خپل متن ښه ولولي، کوم معلومات چې اړين وي هغه له اړونده چارواکيو واخلي او کره يې کړي بيا وينا وکړي، که نه له دې پرته به پرې له تمسخر کولو نور څه نه وي. همدارنگه د سياسي چارو شنونکي...

www.mandegardaily.com

Like MandegarDailyNews